

حضرت آیت‌الله جنّتی «دام عزّه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم؛

همانگونه که مستحضرید در اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی، لایحه مجازات اسلامی، مشتمل بر ۷۳۶ ماده متعاقب تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به صورت غیررسمی در اختیار نهاد محترم شورا قرار گرفت. مرکز تحقیقات به وسع و توان خود، بررسی لایحه را با تشکیل جلسات عدیده مورد اهتمام قرار داد. ذیلاً نتایج حاصل از بررسی‌ها در دو بخش به سمع و نظر اعضاء محترم شورا می‌رسد:

بخش اول: متضمّن مواردی از لایحه مجازات اسلامی است که به زعم کارشناسان مرکز تحقیقات، در مغایرت با اصول قانون اساسی، سیاست‌های قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری و یا مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

بخش دوم: مشتمل بر تمامی موارد و بندها و تبصره‌های مندرج در لایحه مجازات اسلامی است که علاوه بر استخراج موارد مغایرت‌های احتمالی با اصول قانون اساسی، از حیث آداب نگارش، تعارض متن لایحه با قوانین عادی، مغایرت با اصول حقوقی، مواجه با ابهام و اجمال بوده به همراه برخی تأملات شرعی، استخراج و مغایرت‌ها و تعارضات به ترتیب مواد مندرج در لایحه، فهرست گردیده است. علی‌رغم حجیم بودن این بخش از نتایج حاصل از بررسی‌ها، چون مرکز تحقیقات، به زعم خود عنایت و ملاحظه آن را توسط اعضاء محترم، سودمند یافت به ارسال و تقدیم آن در کنار بخش اول نظرات مبادرت نمود. مجدداً یادآور می‌شود چنانچه در بخش دوم، مواردی ناظر بر تأملات شرعی راجع به لایحه، مورد توجه همکاران محترم مرکز تحقیقات قرار گرفت، هرگز به معنای ورود در عرصه و وادی شرع انور نمی‌باشد.

با اعتذار از اطالۀ کلام

قربانعلی مه‌ری

قائم مقام مرکز تحقیقات

رونوشت:

- اعضاء معزز فقهاء و حقوقدانان شورای محترم نگهبان، جهت استحضار
- جناب آقای دکتر کدخدایی، معاون محترم اجرایی و امور انتخابات، جهت استحضار



شماره: ۳۹۵۷
تاریخ: ۱۳۸۸/۰۲/۱۵
پیوست: دارد

- جناب آقای توسلی زاده، مشاور محترم دبیر شورای نگهبان، جهت استحضار

اظهار نظر کارشناسی در خصوص لایحه مجازات اسلامی (بخش اول)

* ماده (۵):

- ابهام: در بند (۴) ماده (۵)، «سایر مراجع قانونی» در هیچ قانونی تعریف نشده و از حیث مصادیق واجد ابهام است. و مشخص نیست چه مراجعی قانونی و چه مراجعی غیرقانونی هستند. و آیا این مراجع صلاحیت صدور رأی و اجرائیه دارند یا خیر.

* ماده (۱۱):

- ابهام: عبارت «جرایم سابق بر وضع قانون» مبهم است در حالی که منظور تدوین کنندگان «جرایم ارتکاب یافته قبل از وضع قانون» بوده است.

* ماده (۱۲):

- ابهام و مغایرت با قانون اساسی: بر اساس اصل ۳۶ تنها مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم و اعمال مجازات دادگاه صالح است، در حالی که در این ماده از عبارت «مرجع صالح» که اعم از «دادگاه صالح» است استفاده شده است.

* ماده (۲۰):

- مغایرت با قانون اساسی و ایراد حقوقی: بر اساس تبصره، «منع جزای نقدی» اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی و یا اشخاصی که به موجب قانون تأسیس می‌شوند، فاقد توجیه است و به این لحاظ مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است.

- ابهام: با توجه به تعاریف موجود در قانون مدیریت خدمات کشوری، مفهومی تحت عنوان «اشخاص حقوقی دولتی» و یا «اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی» تعریف نشده، بنابراین مفهوماً و مصادقاً واجد ابهام است.

* ماده (۲۳):

- مغایرت با قانون اساسی: بند (۱۱) در تغایر با اصل ۲۶ قانون اساسی است، چرا که بر اساس اصل ۲۶ به هیچ عنوان نمی‌توان افراد را از عضویت در احزاب منع کرد.

- ایراد حقوقی: در بند (۱۲) اعطای حق تعطیلی رسانه یا مؤسسه دخیل در جرم به قاضی، مغایر با اصل شخصی بودن مجازات است، چرا که قاضی حق خواهد داشت تا مؤسسه‌ای را که به طور غیرمستقیم در جرم دخیل بوده، تعطیل نماید و این مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست.

- مغایرت با قانون اساسی: تبصره (۳): اعطای حق تصویب آیین‌نامه به رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۱۳۸ و توسعه اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.

- مغایرت با قانون اساسی: طبق تبصره (۳)، اعطای حق تصویب آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات‌های تکمیلی از جهت آنکه موجد حق و تکلیف و دارای خصوصیت قانونگذاری است، تفویض حق تقنین به قوه قضائیه و مغایر اصل ۸۵ خواهد بود.

* ماده (۲۴):

- مغایرت با قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در امور قضائی: تبدیل مجازات تکمیلی به حبس (در صورت عدم اجرای مجازات تکمیلی) مغایر با بند (۱۴) سیاست‌های کلی قضائی و به تبع آن مغایر با بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

* ماده (۲۶):

- مغایرت با قانون اساسی: بند (۴): منع عضویت در احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌ها در این بند، مغایر اصل ۲۶ قانون اساسی است.

- مغایرت با قانون اساسی: بندهای (۶)، (۷)، (۸) و (۱۲) مغایر با بند اول اصل ۲۸ قانون اساسی است؛ چرا که اشتغال، حتی یک روز را هم شامل می‌شود.

- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۷)، با توجه به اینکه تمام مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی به نوعی در ذیل «مؤسسات مأمور به خدمات عمومی» قرار می‌گیرند (حتی تصدی یک سوپرمارکت و یا راننده اتوبوس و یا تاکسی و...) علیهذا، این بند مغایر با اصل ۲۸، و بندهای (۹) و (۱۲) اصل ۳ است.

- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۱۲) منع عضویت در یک مؤسسه علمی، پژوهشی و یا تعاونی و یا تجاری، در تغایر صریح با بندهای (۱)، (۲)، (۴)، (۷)، (۹)، (۱۲) و (۱۴) اصل ۳ و اصول ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی است.

- ایراد حقوقی و مغایرت با قانون اساسی: این ماده به طور کلی فردی را که به تازگی از حبس خارج شده و به شدت نیازمند اصلاح و تأمین معاش است از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی و تأمین معاش محروم کرده و مانع از تشکیل یک زندگی سالم و انسانی برای فرد می‌گردد و این مسأله با بسیاری از اصول قانون اساسی، بویژه با اصل ۲۸ قانون اساسی مغایرت دارد.

- مغایرت با قانون اساسی: به طور کلی دامنه شمول گسترده محرومیت‌ها در این ماده در تغایر با بند (۵) اصل ۵۶ قانون اساسی مبنی بر اقدام مناسب در جهت پیشگیری از وقوع جرم است، چرا که چنانچه فردی که محکومیت کیفری خود را طی کرده است، نتواند پس از بازگشت به اجتماع، اقدام به فعالیت اجتماعی نماید، به احتمال بسیار زیاد بار دیگر مرتکب جرم برای تأمین زندگی خود خواهد شد.

* ماده (۲۷):

- مغایرت با قانون اساسی: در تبصره، سپردن محاسبه تورم در میزان مجازات‌ها آن هم از سوی هیأت دولت، مغایر با اصول ۳۶، ۸۵ و ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی است. برای حل این مشکل بهتر است تصریح شود که مجلس شورای اسلامی موظف است هر ۲ یا ۳ سال یکبار ضریب رشد نرخ مجازات‌های نقدی را طی یک ماده واحده تصویب و به قوه قضائیه ابلاغ نماید.

* ماده (۲۸):

- نقض مصوبه مجمع تشخیص: با اجرای حکم این ماده، در بسیاری از موارد، اجرای مجازات جزای نقدی مقرر در قانون بر مرتکب، عملاً غیرمجری خواهد بود. همچنین در خصوص برخی مصادیق - همچون در مورد قانون تشدید مرتکبین کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت (۱۳۶۷) - مورد اشکال خواهد بود.

* ماده (۳۰):

- ایراد حقوقی و مغایرت با قانون اساسی: منع از ارائه درخواست مجدد مغایر با حقوق افراد در استفاده از وسایل نقلیه است و به نوعی مغایر با اصل ۲۸ است.

*** ماده (۳۱):**

- ایراد حقوقی: مسدود کردن حساب جاری مشترک و حساب جاری شرکتها مغایر با اصل شخصی بودن مجازاتها و اصول حقوقی است. از حیث شرعی و در مغایرت بودن موضوع با آیه شریفه (لاتزر وازره وزر أخری) منوط به ملاحظه فقهاء عظام شورا می باشد.

*** ماده (۳۵):**

- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۶) استفاده از عبارت «پورسانت» مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است و فرهنگستان زبان فارسی برای آن معادل «درصد» را پیشنهاد کرده است.

*** ماده (۴۱):**

- مغایرت با قانون اساسی: طبق اصل ۶۱ قانون اساسی اعمال قوه قضائیه باید از سوی دادگاههای دادگستری صورت گیرد، فلذا سپردن تعیین زمان و مکان به مددکاری اجتماعی، مغایر اصل ۶۱ است.

*** ماده (۴۲):**

- تأمل شرعی: در بند (۷)، چنانچه معاون یا شریک جرم، همسر مرتکب باشد، منع او از معاشرت با وی مغایر با شرع است. همچنین است در مورد بزه دیده، در جرم ترک انفاق. (منوط به نظر فقهاء عظام شورا می باشد).

*** ماده (۶۲):**

- مغایرت با قانون اساسی: سپردن تهیه و تصویب آیین نامه اجرایی قانون به رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

*** ماده (۷۸):**

- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اینکه آیین نامه مزبور برای دستگاهها و مؤسسات دولتی تعیین تکلیف می نماید و تعیین آن به عهده هیأت دولت نهاده شده است، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

- مغایرت با قانون اساسی: واگذاری تعیین نوع خدمات عمومی در مجازاتهای جایگزین حبس به آیین نامه، مغایر با اصول ۸۵ و ۳۶ قانون اساسی است که تعیین انواع مجازاتها را منوط به تعیین

در قانون و تصویب در قوه مقننه کرده است.

*** ماده (۸۲):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** در انتهای بند (۲) به جرایمی اشاره کرد که مجازات آن تعیین نشده و این خلاف صریح ذیل اصل ۳۶ قانون اساسی است.

*** ماده (۸۳):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** مبنیاً بر ماده (۷۸) که خدمات عمومی را بر اساس آیین‌نامه مصوب هیأت دولت تعریف کرده است، عدم تعریف این خدمات در قانون، مغایر اصول ۳۶ و ۸۵ قانون اساسی است.

- **مغایرت با قانون اساسی:** بند یک این ماده که دست قاضی را بسیار باز گذاشته و به او اجازه داده تا از یک ساعت تا دو ساعت و هفتاد ساعت خدمات عمومی رایگان تعیین کند، مغایر با اصول حقوقی و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی است. باید تأکید می‌شد که به تناسب مجازات اصلی، ساعت خدمت تعیین می‌شود. (این ایراد در سایر بندها نیز وجود دارد).

- **مغایرت با قانون اساسی:** آیین‌نامه مورد اشاره در تبصره (۳) که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مغایر اصول ۳۶ و ۸۵ قانون اساسی است.

*** ماده (۸۴):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** عدم تصریح به لزوم «رعایت تناسب» توسط قاضی برای حکم به جزای نقدی در بندهای چهارگانه، در عمل مستلزم تبعیض ناروا است که مغایر با بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

*** ماده (۸۵):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** مراجع شود به ایراد پیش گفته در ماده قبل.

*** ماده (۱۲۶):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه نظام حقوقی ما، نظام مبتنی بر قانون نوشته است و اساساً فلسفه تدوین مقررات حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در قانونی تحت عنوان «قانون مجازات

اسلامی» احصای کلیه جرایم و مجازات‌ها در آن است، لذا آوردن عبارت «در شرع» نقض غرض است و با اصل ۳۶ قانون اساسی که مجازات مبتنی بر قانون را تجویز کرده است، مغایر به نظر می‌رسد.

*** ماده (۱۴۹):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** در تبصره (۱) در قسمت انتهایی، از آنجا که قابلیت تعقیب و رسیدگی به اتهامات فرد مجنون که متهم به ارتکاب جرم مستوجب قصاص و دیه شده را مجاز دانسته، مغایر دادرسی عادلانه می‌باشد، زیرا مجنون امکان دفاع از خویش را دارا نیست، بر این اساس این مقرر مغایر بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی است.

*** ماده (۲۱۵):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه بر اساس بند (۸) این ماده تمام مجازات‌های حبس ابد به حبس ۲۵ تا ۳۰ سال تبدیل گردیده است و به جهت آنکه این حکم شامل قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص می‌گردد، مغایر با بند (۸) اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

*** ماده (۲۱۶):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به انحصار حق وضع آیین‌نامه به هیأت دولت و وزراء، واگذاری این حق به رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

ضمن اینکه اگر تعیین نحوه اجرای حدود، قصاص و تعزیرات واجد وصف تقنین باشد، مغایر با اصل ۸۵ قانون خواهد بود.

*** ماده (۲۲۱):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه منطوق و مفهوم اصل ۱۶۷ دلالت بر تکلیف قاضی بر یافتن حکم دعوا در مواردی دارد که قانون مدونی موجود نباشد و این مسئله را رافع مسئولیت قانونگذار در حال حاضر که مقام تدوین تقنین و احضاء جرایم و مجازات‌ها وفق اصل ۳۶ می‌باشد، نیست. فلذا این ماده مغایر با اصل ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی است.

*** ماده (۲۲۲):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به ایراد ناظر بر ماده قبل و وجود همان ایراد در این ماده مبیناً

بر ایراد قبل این ماده در تغایر با اصل ۱۶۷ است؛ چرا که بر اساس این ماده فتاوی معتبر را منحصر به فتاوی رهبری و افراد مورد تفویض وی کرده است.

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اصل ۳۶ تنها به موجب قانون می توان حکم به مجازات داد که این ماده به خلاف این اصل، حکم به مجازات بر اساس استفتاء را تجویز کرده است.

*** ماده (۲۸۰):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** بر اساس بند (۱۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو و تخفیف مجازات محکومان «پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه» بر عهده رهبر است و بدون طی این روند (آن گونه که در تبصره (۲) تبیین شده است) به هر گونه تخفیف و عفو، مغایر با قانون اساسی است.

- **مغایرت با قانون اساسی:** در حالی که اصل ۳۶ حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون دانسته است، تبصره (۲) اختیار تعیین مجازات را بر عهده ولی امر نهاده است.

*** ماده (۳۰۴):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** تبصره ماده فوق به صورت تلویحی اجازه قتل افراد با اعتقاد مهدورالدم بودن (به واسطه ارتکاب جرم حدی) را می دهد که این امر مغایر با اصول ۳۶ و ۱۵۶ قانون اساسی می باشد؛ چرا که مجوز قتل افراد بدون محاکمه را به اشخاص جامعه می دهد.

- **مغایرت با قانون اساسی:** ماده به طور ضمنی مجوز قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن را داده است که به نظر می رسد مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی باشد.

همچنین از این لحاظ که اقامه محدود را بر خلاف اصل ۶۱ و بند (۴) اصل ۱۵۶ توسط افرادی بدون اجازه قوه قضائیه مجاز دانسته مغایر با اصول فوق می باشد.

*** ماده (۳۲۰):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه صرف امتناع شاکی از اقامه قسم و یا مطالبه قسامه از متهم، موجب می شود تا فرد متهم ملزوم به توابع تأمین مناسب گردد، که از این نظر مغایر با اصل ۴۰ قانون اساسی و سوءاستفاده از حق خویش است.

شماره: ۳۹۵۷

تاریخ: ۱۳۸۸/۰۲/۱۵

پیوست: دارد

- **مغایرت با قانون اساسی:** باز گذاشتن دست شاکی در اعمال حق خویش در هر زمان و مکان که می‌خواهد، مغایر با اصل ۳۷ و اصل برائت افراد است، چرا که هر زمان ممکن است فرد در معرض اتهام قرار گیرد.

* ماده (۳۶۳):

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اطلاق «امر دیگری» و عدم تعیین ضابطه و حدود معین برای «شرط» که اعم از مشروع و غیرمشروع، ممکن و غیرممکن است، علاوه بر ابهام آن، مغایر با بند (۶) اصل ۲ (کرامت و ارزش والای انسانی)، بند (۱۴) اصل ۳ (امنیت قضایی عادلانه)، اصل ۴۰ (سوءاستفاده از حق) و بند (۴) اصل ۴۳ (بهره‌کشی از کار دیگران) قانون اساسی است.

- **مغایرت با قانون اساسی:** علاوه بر مورد فوق، تداوم وجود حق قصاص تا زمان حصول شرط، نیز مغایر با اصول فوق‌الذکر قانون اساسی است؛ چرا که در این صورت چنانچه، قصاص مشروط به امری باشد که ظرف ۵ سال حاصل می‌شود، لکن پیش از سرآمدن موعد، پس از ۴ سال صاحب حق می‌تواند اعمال حق کند و این مغایر با اصول قانون اساسی، مندرج در ایراد قبلی است.

* ماده (۳۶۴):

- **مغایرت با قانون اساسی، ایراد شرعی و تعارض:** همه ایرادات وارد بر ماده قبل، بر این ماده نیز وارد است.

بر اساس ماده (۱۰۰) این لایحه و اصول حقوقی، گذشت مشروط و معلق پذیرفتنی نیست حال آنکه در این ماده پذیرفته شده است.

* ماده (۳۷۶):

- **مغایرت با قانون اساسی:** از آنجا که وفق حکم حکومتی ولی امر (ماده ۲۹۷ - تبصره ۲ الحاقی قانون مجازات اسلامی) دیه اقلیت‌های دینی مساوی با مسلمانان تعیین گردیده و در ماده (۵۵۹) همین لایحه نیز مورد تصریح قرار گرفته، تصریح به عدم تساوی دیه غیرمسلمانان با مسلمانان به عنوان مصداقی از عدم تساوی دیه (که به عنوان مثال مطرح شده)، مغایر با اصول ۵، ۵۷ و ۱۱۲ قانون اساسی است.

*** ماده (۳۸۴):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به عدم تساوی دیه مسلمان و غیرمسلمان، ایراد وارد بر ماده (۳۷۶) همین لایحه، بر این ماده نیز وارد است.

*** ماده (۴۶۳):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** قید «عدم دسترسی به کارشناس» با توجه به امکانات فعلی قوه قضائیه، قیدی زائد است و مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی (تحقق عدالت قضایی) و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی (امنیت قضایی عادلانه) است.

- **مغایرت با قانون اساسی و ایراد حقوقی:** بر اساس ضوابط آیین دادرسی کیفری (مواد ۸۸ و ...) تحصیل نظر کارشناس و لحاظ آن در حکم لازم است. بر این اساس، عدم استفاده از نظر کارشناس و حکم کردن به مدلول ماده، مغایر با اصل ۱۶۷ قانون اساسی (لزوم مستدل و مستند بودن رأی قاضی) است.

*** ماده (۵۵۹):**

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه این ماده شامل اقلیت‌های دینی غیرمذکور در اصل ۱۳ قانون اساسی نمی‌گردد، مغایر با اصل ۱۴ قانون اساسی مبنی بر رعایت قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی غیرمسلمانان است. همچنین این مسأله (خارج کردن برخی غیرمسلمانان از این ماده) مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است.

اظهار نظر کارشناسی مرکز تحقیقات در خصوص:

لایحه مجازات اسلامی

(بخش دوم)

کتاب اول: کلیات

بخش اول: مواد عمومی

فصل اول: تعاریف

ماده (۱):

- ایراد نگارشی: اضافه «حدود، قصاص، دیات و تعزیرات» به «مجازات» صحیح نیست و ذکر آن حشو می باشد.

ماده (۲):

- ایراد حقوقی: تعریف ارائه شده جامع افراد نیست، چرا که برخی جرایم همچون اعتیاد و ولگردی نه فعل هستند و نه ترک فعل، بلکه یک حالت و سلوک هستند.

فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان

ماده (۵):

۱- ابهام: مشخص نیست مصادیق «جرایم مقرر در قوانین خاص» چه قوانینی است و از این حیث واجد ابهام است. معلوم نیست که آیا هر قانون جزایی خاص مصداق این مورد است یا خیر.

۲- ابهام: قانونگذار نحوه احتساب میزان محکومیت صورت گرفته در خارج را در مجازات تعزیری مشخص نکرده است و معلوم نیست شیوه محاسبه به چه نحو است.

۳- ابهام: در بند (۱)، «اقدام علیه نظام» از حیث مصادیق و افراد واجد ابهام است، چرا که هر جرم و یا سخن مخالف و انتقادی نیز می تواند اقدام علیه نظام محسوب گردد.

۴- ابهام: بند (۳) استفاده از عبارت جمع (استفاده از «آنها») این ابهام را به وجود می آورد که برای تحقق استفاده از سند مجعول، تعدد ارتکاب لازم است و با یک بار ارتکاب (مثلاً یک بار استفاده از امضای مجعول رئیس جمهور) جرم محقق نمی گردد.

۵- ابهام: در بند (۴)، «سایر مراجع قانونی» در هیچ قانونی تعریف نشده و از حیث مصادیق واجد ابهام است. و مشخص نیست چه مراجعی قانونی و چه مراجعی غیرقانونی هستند. و آیا این مراجع صلاحیت صدور رأی و اجرائیه دارند یا خیر.

۶- ابهام: در بند(۵) عبارت «اسکناس رایج» واجد ابهام است، چرا که مشخص نیست آیا منظور تنها اسکناس‌های ایران بوده و یا اسکناس‌های خارجی نیز مورد نظر بوده است.

ماده(۶):

- ابهام: عبارت «در رابطه» از حیث مصادیق بسیار گسترده و موجد ابهام است. در لایحه قوه قضائیه و قانون مجازات اسلامی فعلی، عبارت «به مناسبت» درج شده بود که جامع و مانع بود.

ماده(۷):

۱- ایراد نگارشی: به نظر می‌رسد پس از عبارت «یا قسمت» کلمه و یا فعلی از قلم افتاده باشد. اصولاً فعل «یافتن» متعدی است، در حالی که در این ماده، حالت لازم آن منظور نظر بوده است.

۲- ایراد حقوقی: معادل حقوقی «اعاده کردن»، «استرداد» و «مسترد کردن» است.

۳- ایراد حقوقی: در بند(۱)، مجازات کردن جرایم تعزیری که تنها در ایران جرم بوده و در کشور محل وقوع جرم نباشد، فاقد توجیه حقوقی است، چرا که وقتی در کشور محل وقوع جرم، یک رفتار منحل به نظم عمومی محل وقوع جرم محسوب نمی‌شود، تعیین مجازات برای آن فاقد توجیه است.

۴- ایراد حقوقی: در بند(۲) چنانچه مرتکب در غیر محل وقوع جرم محاکمه شده باشد، محاکمه مجدد و مجازات آن فاقد توجیه حقوقی است.

ماده(۸):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «یافت» به صورت ناقص آمده و فعل آن ناقص است. ضمن اینکه «یافت» فعل متعدی است در حالی که در اینجا فعل لازم مورد نظر بوده است.

۲- ایراد حقوقی: معادل حقوقی «اعاده گردد»، «مسترد گردد» می‌باشد.

۳- ابهام: جرم «علیه کشور ایران» واجد ابهام است، چرا که مشخص نیست که «جرم علیه ایران» به چه شکل محقق می‌شود. آیا علیه امنیت ایران مورد نظر بوده؟ یا علیه مردم ایران؟ یا علیه نظام ایران؟

۴- ابهام: مشخص نیست چنانچه غیر ایرانی مرتکب جرم مستوجب حد، قصاص و یا دیات علیه یک ایرانی شود، چرا قابل تعقیب نیست؟! هر چند که می‌توان از اطلاق صدر ماده، مجازات جرایم

موجب قصاص، دیات و حدود را استنباط کرد، اما همچنان احتمال برداشت مخالف از سوی محاکم وجود دارد.

ماده (۹):

- ایراد نگارشی: فعل انتهایی جمله «محاکمه و مجازات می‌شود» متناسب با «به جرایمی که به...» در ابتدای جمله نیست. (فعل «رسیدگی می‌شود» عبارت مناسب‌تری است).

فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان

ماده (۱۰):

۱- ایراد حقوقی: رفتار اعم است از فعل، ترک فعل و حالت و... لذا عبارت داخل پرانتز صحیح نیست.

۲- ابهام: در تبصره ماده، مشخص نیست منظور از «موارد خاص»، موارد خاص زمانی و مکانی است و یا موارد خاص موضوعی است و از این حیث واجد ابهام است.

ماده (۱۱):

- ابهام: عبارت «جرایم سابق بر وضع قانون» مبهم است در حالی که منظور تدوین‌کنندگان «جرایم ارتکاب یافته قبل از وضع قانون» بوده است.

فصل چهارم: قانونی بودن جرایم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری

ماده (۱۲):

۱- ابهام و مغایرت با قانون اساسی: بر اساس اصل ۳۶ تنها مرجع صالح برای رسیدگی به جرایم و اعمال مجازات دادگاه صالح است، در حالی که در این ماده از عبارت «مرجع صالح» که اعم از «دادگاه صالح» است استفاده شده است.

۲- ایراد حقوقی: اصلاح بند (۴) (مرور زمان) با حقوق مکتسب متهمان در تعارض است، چرا که شامل موارد مساعد به حال متهم نیز می‌شود.

ماده (۱۳):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «حسب مورد» در سطر اول حشو و زائد است.

۲- ایراد نگارشی: جمله‌بندی ماده تا حدودی نارسا است هر چند که موجد ابهام نیست.

بخش دوم: مجازات‌ها

فصل اول: مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی و حقوقی

ماده (۱۴):

- تأمل: درج دیه در ذیل مجازات‌ها، با توجه به خصوصیات مشترک آن با جبران خسارت، محل تأمل حقوقی و شرعی است.

ماده (۱۵):

- ایراد حقوقی: تعریف ارائه شده از حدود، جامع افراد است لکن مانع اغیار نیست، چرا که تعریف ارائه شده شامل مجازات قصاص و دیات نیز می‌گردد.

ماده (۱۶):

۱- ابهام: عبارت «مجازات اصلی» در این ماده - که منظور از آن اصلی بودن نسبت به مجازات جایگزین دیه است - با توجه به مشترک بودن لفظ آن با عنوان فصل (که در برابر مجازات‌های تبعی و تکمیلی است) موجد ابهام است.

۲- ایراد نگارشی: مجازات قصاص «اجرا می‌گردد» و نه «اعمال». (به لغتنامه ضمیمه رجوع شود).

۳- ایراد نگارشی: باید عبارت «اعضاء و منافع» به صورت «اعضا یا منافع» اصلاح شود.

ماده (۱۷):

- ایراد نگارشی و حقوقی: عبارت «اعضاء و منافع» به صورت «اعضا یا منافع» اصلاح شود.

ماده (۱۸):

۱- ایراد نگارشی: مجازات، «اعمال» نمی‌گردد، بلکه «اجرا می‌گردد». (به لغتنامه ضمیمه رجوع شود.)

۲- ایراد نگارشی: در بند (۱) تبصره استفاده از عبارت «وضعیت» برای ذهن و روان مناسب نیست.

(به لغتنامه ضمیمه رجوع شود.)

۳- ابهام: در بند (۲) تبصره، عبارت «گستره نقض وظیفه» از حیث مصادیق و مفهوم واجد ابهام

است.

۴- ایراد نگارشی: در بند(۴) تبصره، استفاده از «وضعیت» برای «وضعیت فردی» مناسب نیست.

(به لغتنامه ضمیمه رجوع شود.)

ماده(۱۹):

۱- **ابهام و تناقض:** با توجه به پذیرفته شدن مجازات اعدام به عنوان مجازات تعزیری (همانند بند

۶ ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر) عدم درجه‌بندی این مجازات در ذیل این مجازات‌ها موجب ابهام در وضعیت این مجازات‌ها خواهد شد.

۲- **ابهام و تناقض:** با توجه به پذیرفته شدن مجازات حبس دائم (ابد) به عنوان مجازات تعزیری

(همانند بند ۶ ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر) عدم درجه‌بندی این مجازات در ذیل این مجازات‌ها موجب ابهام در وضعیت این مجازات‌ها خواهد شد. در همین لایحه نیز در برخی مواد، تصریح به مجازات حبس دائم شده است. (به عنوان مثال، بند یک ماده ۱۲۱)

۳- ایراد نگارشی: در تبصره(۵) در عبارت «مقصود از آن» نوعی نارسایی وجود دارد و ضروری

است چنین اصلاح شود: «... یا مقصود از تهیه آن اشیاء و اموال»...

۴- ایراد حقوقی و ابهام: با توجه به درجات و انواع مختلف «مصادره اموال» (مصادره بخشی از

اموال، مصادره اموال حاصل از جرم،...) قرار دادن مطلق آن در درجه دوم واجد ابهام است و این ابهام در ذیل تبصره(۵) آن نیز تسری یافته است.

به علاوه «ضبط و توقیف اموال» و رابطه آن با مصادره اموال مشخص نگردیده است.

ماده(۲۰):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «زیر» در انتهای صدر ماده افتاده است: «به شرح زیر است».

۲- ایراد نگارشی: «اعمال مجازات» در تبصره صحیح نیست و باید به جای آن «اجرای مجازات»

درج شود.

۳- مغایرت با قانون اساسی و ایراد حقوقی: بر اساس تبصره، «منع جزای نقدی» اشخاص

حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی و یا اشخاصی که به موجب قانون تأسیس می‌شوند، فاقد توجیه

است و به این لحاظ مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است.

۴- **ابهام:** با توجه به تعاریف موجود در قانون مدیریت خدمات کشوری، مفهومی تحت عنوان «اشخاص حقوقی دولتی» و یا «اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی» تعریف نشده، بنابراین مفهوماً و مصداقاً واجد ابهام است.

۵- **ابهام:** با توجه به اینکه تمام اشخاصی که به موجب قانون خاص ایجاد می‌شوند، یا مؤسسه عمومی دولتی، یا مؤسسه عمومی غیردولتی و یا وزارتخانه هستند، فلذا مصادیق بخش انتهایی تبصره واجد ابهام است.

ماده (۲۱):

- ایراد نگارشی: مرجع ضمیر «آن» مشخص نیست.

ماده (۲۲):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «در جهت ارتکاب جرم» در ماده بدون ضرورت، مکرر به کار رفته است.

۲- ایراد حقوقی و ابهام: به نظر می‌رسد هیچ شرکتی و مؤسسه حقوقی نیست که فعالیت آن منحصرراً (۱۰۰٪) در جهت ارتکاب جرم باشد و همواره بخشی از مؤسسه برای پوشش دادن به فعالیت‌های نامشروع مؤسسه حقوقی به فعالیت‌های مشروع اختصاص می‌یابد. فلذا به نظر می‌رسد با توجه به این مسأله هیچ شخصیت حقوقی قابل انحلال نباشد.

فصل دوم، مجازات‌های تکمیلی و تبعی

ماده (۲۳):

۱- **ابهام:** «خصوصیات» محکوم و جهات و ابعاد آن مبهم است و معلوم نیست که آیا خصوصیات قومیتی و نژادی و زبانی هم مؤثر است یا خیر.

۲- **ابهام:** بند (۴): «خدمات عمومی» از حیث مصادیق موجد ابهام است. معلوم نیست تصدی

وکالت دادگستری خدمت عمومی است یا خیر. رانندگی تاکسی خدمات عمومی است یا خیر. آیا متصدی سوپر مارکت هم عمومی است؟ «خدمت عمومی» واجد ابهام است.

- ۳- ابهام: بند(۵): تفاوت «راندگی» با «تصدی» وسایل نقلیه واجد ابهام است.
- ۴- مغایرت با قانون اساسی: بند(۱۱) در تغایر با اصل ۲۶ قانون اساسی است، چرا که بر اساس اصل ۲۶ به هیچ عنوان نمی توان افراد را از عضویت در احزاب منع کرد.
- ۵- ایراد نگارشی: بند(۱۰)، «الزام به انجام خدمات عمومی» صحیح است.
- ۶- ایراد حقوقی: در صدر ماده به این نکته تصریح نشده که قاضی باید در ضمن صدور حکم به مجازات اصلی، حکم به مجازات تکمیلی بدهد.
- ۷- ابهام: بند(۱۴): الزام به تحصیل واجد ابهام است: تحصیل چه چیزی؟ (لزوم مقید شدن آن به کلمه «علم»).
- ۸- ایراد حقوقی و تعارضی: در بند(۱۲) با توجه به اینکه در ماده(۲۱۲) همین لایحه، تکلیف وسایل ارتکاب جرم (ضبط یا معدوم) مشخص شده است، دیگر امکان توقیف آن وجود ندارد.
- ۹- ایراد حقوقی: در بند(۱۲) اعطای حق تعطیلی رسانه یا مؤسسه دخیل در جرم به قاضی، مغایر با اصل شخصی بودن مجازات است، چرا که قاضی حق خواهد داشت تا مؤسسه‌ای را که به طور غیرمستقیم در جرم دخیل بوده، تعطیل نماید و این مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست.
- ۱۰- ایراد نگارشی: بند(۱۲): «رسانه و مؤسسه» توقیف نمی شود، تعطیل می شود.
- ۱۱- ابهام: در بند(۱۵)، «انتشار حکم» به این نحو و به صورت مطلق موجد ابهام است. چرا که نصب حکم در تابلوی اعلانات دادگستری و نیز انتشار حکم در صدا و سیما هر دو انتشار حکم هستند، لکن از نظر آثار در قبال مجرم بسیار تفاوت است و از این حیث واجد ابهام است.
- ۱۲- ایراد حقوقی: در تبصره(۲) قاضی مختار است که از میان ۱۵ گزینه مجازات تکمیلی، یکی را انتخاب کند و آن قاضی که بخواهد از میان ۱۵ گزینه، تنها به یک گزینه مراجعه کند، یک امر بسیار عقلایی است و وضع کردن این تبصره فاقد توجیه است. می توانست این تبصره تصریح کند که قاضی نمی تواند مجازات تکمیلی مشابه تعیین کند.
- ۱۳- مغایرت با قانون اساسی: تبصره(۳): اعطای حق تصویب آیین نامه به رئیس قوه قضائیه مغایر

با اصل ۱۳۸ و توسعه اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.

۱۴- **مغایرت با قانون اساسی:** طبق تبصره (۳)، اعطای حق تصویب آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات‌های تکمیلی از جهت آنکه موجد حق و تکلیف و دارای خصوصیت قانونگذاری است، تفویض حق تقنین به قوه قضائیه و مغایر اصل ۸۵ خواهد بود.
ماده (۲۴):

۱- **مغایرت با قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در امور قضائی:** تبدیل مجازات تکمیلی به حبس (در صورت عدم اجرای مجازات تکمیلی) مغایر با بند (۱۴) سیاست‌های کلی قضائی و به تبع آن مغایر با بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

۲- **ایراد نگارشی:** عبارت «همچنین» در ابتدای جمله دوم، فاقد توجیه ادبی و منطقی است، چرا که جمله دوم هیچ سنخیتی با جمله اول ندارد. (به جای آن «چنانچه» آورده شود).
۳- **ابهام:** در جمله دوم مرجع ضمیر در عبارت «اصلاح وی» مشخص نیست.
ماده (۲۵):

۱- **ایراد حقوقی:** اجرای مجازات تبعی در صورت شمول مرور زمان با فلسفه مرور زمان در تعارض است، و با اجرای آن، اهداف مرور زمان پذیرفته شده، زیر سؤال می‌رود.

۲- **تعارض:** با توجه به اصلاح به عمل آمده در کمیسیون حقوقی نسبت به بند (۲) این ماده (تبدیل نصف دیه کامل به نصف دیه مجنی علیه)، عدم اصلاح آن در بند (۳) (عدم تغییر عبارت «نصف دیه کامل») موجب تعارض میان این دو بند و تداخل احکام این دو بند شده است.

۳- **ایراد حقوقی و ابهام:** در بند (۲) تفاوت میان «نفی بلد» و «تبعید» در این ماده مشخص نشده است و معلوم نیست منظور تدوین‌کنندگان از عبارت «نفی بلد» شامل تبعید هم می‌شود یا خیر. (به نظر می‌رسد نفی بلد یک مجازات منصوص شرعی است که طی آن هیچ یک از شهروندان حق معامله و معاشرت با محکوم را ندارد، حال آنکه تبعید چنین نیست).

۴- **ایراد حقوقی:** با توجه به بندهای (۲) و (۳)، حبس دارای درجه تعریف شده است، حال آنکه

در ماده (۱۹)، تنها مجازات‌های تعزیری درجه‌بندی شده است. (چنانچه نوشته شود حبس از مجازات‌های تعزیری مشکل رفع می‌شود).

۵- ایراد نگارشی: در تبصره یک، عبارت «در غیر موارد فوق» نارسا است.

۶- ابهام: عبارت «گواهی‌های صادر شده از مراجع ذی‌ربط» از جهات مختلف (تعریف و مصداق) در کلیه عبارات واجد ابهام است. کدام گواهی‌ها و کدام مراجع مورد نظر بوده است.

۷- ایراد حقوقی: اصطلاح «بازنگری در مجازات» غیرحقوقی است و باید از عبارت «تجدیدنظر» استفاده شود. (در تبصره یک)

۸- ایراد حقوقی و ابهام: عبارت «اثر تبعی» موجد ابهام است؛ معلوم نیست منظور از اثر تبعی، خود مجازات تبعی است و یا منظور آن، اثر مجازات تبعی مندرج در تبصره یک است.

۹- ابهام: عبارت «مدعی خصوصی» در تبصره (۲) از حیث مفهوم و مصداق موجد ابهام است؛ چرا که عبارت «شاکی» مفید به معنا است و عبارت «مدعی خصوصی» در اینجا فاقد توجیه است.

۱۰- ایراد حقوقی و ابهام: در تبصره (۲)، عبارت «موقوفی مجازات» از حیث مفهوم موجد ابهام است؛ چرا که معلوم نیست منظور تدوین‌کنندگان موقوفی به معنای خاص بوده و یا منظور آنان اعم از موقوفی و عدم مجازات است.

لازم به ذکر است، در موقوفی، مجازات به صورت موقت متوقف می‌شود ولی در موارد دیگر (منع و عدم) مجازات به طور کلی اجرا نمی‌شود.

۱۱- ابهام: در تبصره (۳)، «اثر تبعی محکومیت» واجد ابهام است، چرا که در صدر ماده «اثر تبعی مجازات» مورد توجه قرار گرفته است.

۱۲- ابهام، تعارض و ایراد حقوقی: در تبصره (۳)، در حالی که در مقدمه تبصره (۳) موضوع آزادی مشروط را مورد نظر قرار داده، لکن در ادامه، «عفو» را هم مورد توجه قرار داده و این دو موضوع را با هم خلط کرده است و همین موجب ابهام و تعارض درونی گردیده است.

۱۳- ابهام: در این ماده به مجازات تبعی در صورت عفو محکوم علیه پرداخته نشده است و از این

حیث واجد ایراد و ابهام است.

ماده (۲۶):

۱- ایراد حقوقی و ابهام: در بند (۴)، از آنجا که اعضای هیچ یک از انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون انتخاب نمی‌شوند، لذا از این حیث واجد ابهام و ایراد است (مصدق ندارد).

۲- مغایرت با قانون اساسی: بند (۴): منع عضویت در احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌ها در این بند، مغایر اصل ۲۶ قانون اساسی است.

۳- ابهام: در بند (۵) به نظر می‌رسد «هیأت‌های امنا» در قوانین عمومی و این قانون تعریف نشده است و موجد ابهام است.

۴- مغایرت با قانون اساسی: بندهای (۶)، (۷)، (۸) و (۱۲) مغایر با بند اول اصل ۲۸ قانون اساسی است؛ چرا که اشتغال، حتی یک روز را هم شامل می‌شود.

۵- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۷)، با توجه به اینکه تمام مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی به نوعی در ذیل «مؤسسات مأمور به خدمات عمومی» قرار می‌گیرند (حتی تصدی یک سوپرمارکت و یا راننده اتوبوس و یا تاکسی و...) علیهذا، این بند مغایر با اصل ۲۸، و بندهای (۹) و (۱۲) اصل ۳ است.

۶- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۱۲) منع عضویت در یک مؤسسه علمی، پژوهشی و یا تعاونی و یا تجاری، در تغایر صریح با بندهای (۱)، (۲)، (۴)، (۷)، (۹)، (۱۲) و (۱۴) اصل ۳ و اصول ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی است.

۷- ایراد حقوقی و مغایرت با قانون اساسی: این ماده به طور کلی فردی را که به تازگی از حبس خارج شده و به شدت نیازمند اصلاح و تأمین معاش است از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی و تأمین معاش محروم کرده و مانع از تشکیل یک زندگی سالم و انسانی برای فرد می‌گردد و این مسأله با بسیاری از اصول قانون اساسی، بویژه با اصل ۲۸ قانون اساسی مغایرت دارد.

۸- ابهام: عبارت «دستگاه‌های حکومتی» نه در این قانون و نه در قوانین دیگر تعریف نشده است. تنها «دستگاه اجرایی» در قانون خدمات کشوری تعریف شده است.

۹- ایراد حقوقی: با وجود تأکید بر لفظ «اشتغال» در بند (۷)، وجود تبصره یک فاقد موضوعیت است.

۱۰- مغایرت با قانون اساسی: به طور کلی دامنه شمول گسترده محرومیت‌ها در این ماده در تغایر با بند (۵) اصل ۵۶ قانون اساسی مبنی بر اقدام مناسب در جهت پیشگیری از وقوع جرم است، چرا که چنانچه فردی که محکومیت کیفری خود را طی کرده است، نتواند پس از بازگشت به اجتماع، اقدام به فعالیت اجتماعی نماید، به احتمال بسیار زیاد بار دیگر مرتکب جرم برای تأمین زندگی خود خواهد شد.

فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده (۲۷):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «قبلی» در صدر ماده زائد است.

۲- ایراد حقوقی: با توجه به اینکه اصل ۱۷۱ قانون اساسی نسبت به جبران خسارت ناشی از اشتباه در صدور حکم تأکید کرده است، سکوت ماده در خصوص مواردی که فرد بیش از مدت محکومیت در بازداشت بوده و یا پس از طی مدت بازداشت از اتهام تبرئه گردد، ساکت است و از این حیث واجد اشکال است.

۳- ابهام و ایراد حقوقی: شمول «و قوانین دیگر» در تبصره بسیار گسترده است و شامل موارد غیرقضایی نیز می‌گردد و از این حیث واجد اشکال است.

۴- مغایرت با قانون اساسی: در تبصره، سپردن محاسبه تورم در میزان مجازات‌ها آن هم از سوی هیأت دولت، مغایر با اصول ۳۶، ۸۵ و ذیل اصل ۵۷ قانون اساسی است.

برای حل این مشکل بهتر است تصریح شود که مجلس شورای اسلامی موظف است هر ۲ یا ۳ سال یکبار ضریب رشد نرخ مجازات‌های نقدی را طی یک ماده واحده تصویب و به قوه قضائیه ابلاغ نماید.

۵- ابهام: عبارت «در خصوص احکامی که بعد از آن صادر می‌شود» از حیث مصداق نارسا و موجد ابهام است.

ماده (۲۸):

- **نقض مصوبه مجمع تشخیص:** با اجرای حکم این ماده، در بسیاری از موارد، اجرای مجازات جزای نقدی مقرر در قانون بر مرتکب، عملاً غیرمجرمی خواهد بود. همچنین در خصوص برخی مصادیق - همچون در مورد قانون تشدید مرتکبین کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت (۱۳۶۷) - موجد اشکال خواهد بود.

به عنوان مثال چنانچه فردی توسط دادگاه به ۷ سال حبس به اتهام جرم کلاهبرداری محکوم شود، دیگر امکان محکومیت وی به مجازات نقدی معادل مبلغ کلاهبرداری شده وجود ندارد و از این نظر در برخی مصادیق، این ماده ناسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود.

ماده (۲۹):

- **ابهام و ایراد نگارشی:** عبارات جمله به اندازه‌ای نارسا است که موجد ابهام است.

ماده (۳۰):

- **ایراد حقوقی و مغایرت با قانون اساسی:** منع از ارائه درخواست مجدد مغایر با حقوق افراد در استفاده از وسایل نقلیه است و به نوعی مغایر با اصل ۲۸ است.

ماده (۳۱):

۱- **ایراد نگارشی:** با توجه به معانی مندرج در لغتنامه‌ها استفاده از کلمه «اصدار» برای چک صحیح نیست.

۲- **ایراد حقوقی:** عبارات ماده شامل چک‌های امضاء شده و دارای مبلغ چک که هنوز به دیگران داده نشده است نمی‌شود و از این حیث واجد ایراد است.

۳- **ایراد حقوقی:** ممنوعیت دائمی از افتتاح حساب جاری مغایر با حقوق افراد است.

۴- **ایراد حقوقی و شرعی:** مسدود کردن حساب جاری مشترک و حساب جاری شرکت‌ها مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصول حقوقی است. از حیث شرعی و در مغایرت بودن با آیه شریفه (لاتزرر وازره و زر اُخری) منوط به ملاحظه فقهاء عظام شورا می‌باشد.

ماده (۳۳):

- ایراد حقوقی: اطلاق «منع از درخواست مجدد» موجب تسری آن به منع دائمی و سلب حقوق افراد است.

ماده (۳۴):

۱- ایراد نگارشی: «اخراج» متصف به دائم و موقت نمی‌شود، بلکه منع ورود می‌تواند زمان‌دار باشد.

۲- ایراد نگارشی: به جای «بیگانگان» از عبارت حقوقی «اتباع غیر ایرانی» باید استفاده شود.

ماده (۳۵):

۱- ابهام: در تبصره، عبارت «میزان جرم ارتكابی» واجد و موجد ابهام است.

۲- ابهام: در تبصره «رسانه ملی» و «روزنامه کثیرالانتشار ملی» از حیث مصداق واجد ابهام است.

(عبارت «میزان مجازات جرم ارتكابی» صحیح است.)

۳- ایراد نگارشی: در تبصره «حداقل یک میلیارد ریال» وافی به مقصود است و عبارت «یا بیش از

آن» زائد است.

۴- ابهام: در تبصره تعداد دفعات انتشار در رسانه ملی مشخص نیست.

۵- ابهام: نحوه انتشار (نام، جرم ارتكابی، میزان مبلغ حاصل از جرم، مجازات تعیین شده) نیز

مشخص نگردیده و از این حیث صدر ماده و تبصره آن موجد ابهام است.

۶- ابهام: متعلق «اعمال نفوذ» در بند (۳) تبصره موجد ابهام است.

۷- ابهام: «معاملات خارجی» از حیث مصداق واجد ابهام است، چرا که معلوم نیست مراد از آن

معاملات با طرف خارجی است و یا معاملاتی است که در خارج از کشور منعقد می‌گردد؟ آیا

معاملات منعقد شده میان دو خارجی هم معامله خارجی است؟ (بند ۵ و ۶ تبصره)

۸- مغایرت با قانون اساسی: در بند (۶) استفاده از عبارت «پورسانت» مغایر با اصل ۱۵ قانون

اساسی است و فرهنگستان زبان فارسی برای آن معادل «درصد» را پیشنهاد کرده است.

فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن

ماده (۳۶):

۱- ایراد نگارشی: در بندها مشابه این نمونه اصلاح شود: (بند ۱: حبس دائم به حبس غیردائم از مجازات‌های درجه ۱ یا ۲).

۲- ایراد حقوقی و تعارض: در مصادره اموال، با توجه به اینکه میزان مال مورد مصادره غیرمعین است، فلذا ممکن است تبدیل مصادره به مجازات نقدی درجه ۳ یا ۴، تشدید باشد و نه تخفیف.

۳- ایراد حقوقی: در بند (۴)، با توجه به اینکه فلسفه انفصال موقت، دور نگهداشتن موقت محکوم از مسئولیت دولتی است، فلذا انفصال تا ۱۵ سال در حکم انفصال دائم است، چرا که کل دوره خدمت کارمندان ۲۵ تا ۳۰ سال است و کارمندی که ۱۰ سال سابقه حبس داشته باشد، با این حکم تخفیفی به او داده نشده است. فلذا در درج این بند به مبنای انفصال دائم و موقت توجه نشده است.

ماده (۳۷):

۱- ابهام: بند (۱)، با وجود «شاکی»، مطرح ساختن «مدعی خصوصی» (که در غیر جرایم و در دعاوی خصوصی مطرح است) صحیح نیست و موجد ابهام است.

۲- ایراد نگارشی: بند (۲)، پس از «شرکا یا معاون» عبارت «جرم» ضروری است.

۳- ایراد نگارشی: بند (۲)، لفظ «متهم» زائد است و باید حذف شود و در صورت بقا، لازم است به «محکوم» تبدیل شود.

۴- ایراد حقوقی: بند (۲)، درج عبارت «اشیاء» در کنار «اموال» می‌تواند تعارض به وجود آورد.

۵- ابهام: در بند (۴)، متعلق «اعلام» مشخص نیست و از حیث مفهوم و مصداق واجد ابهام است.

۶- ابهام و ایراد نگارشی: در بند (۷) خفیف بودن یک امر نسبی است و نسبت دادن نتایج زیانبار به زیان وارد شده نامتناسب است.

ماده (۳۸):

- ابهام حقوقی و ابهام: «سابقه کیفری مؤثر» با توجه به تبصره ماده (۳۹)، می‌بایست به «سابقه محکومیت کیفری مؤثر» تبدیل شود تا از شائبه تعدد مفهومی آنها جلوگیری شود.

فصل پنجم: تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات

ماده (۳۹)

۱- ایراد حقوقی: «پیش بینی اصلاح مرتکب» و سازوکار احراز آن مشخص نیست و سپردن تشخیص آن به قضات فاقد توجیه است. ضمن اینکه امکان پیش بینی آن بسیار مشکل است.

۲- ایراد حقوقی و ابهام: در حالی که در بند(۴) به «سابقه کیفری مؤثر» اشاره شده است، در تبصره «محکومیت مؤثر» تعریف شده و معلوم نیست که مراد از هر دو عبارت، یک مفهوم باشد، لذا جهت رفع هرگونه شائبه نسبت به تعدد مفهومی این عبارات می بایست عبارت «سابقه محکومیت کیفری مؤثر» تبدیل شود.

۳- ایراد حقوقی: در بند(۴)، با توجه به اینکه محکومیت مؤثر، ظرف ۲ تا ۳ سال (بر اساس ماده ۲۵) زائل می شود، امکان عدم صدور حکم به مجازات برای افرادی که دارای سابقه ارتکاب جرم هستند، فاقد توجیه است.

۴- ایراد نگارشی: در تبصره، گویا خود محکومیت موجب مجازات تبعی شده است، حال آنکه از آثار آن، مجازات تبعی است.

ماده (۴۰):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «به موقع اجرا گذارد» ناصحیح است.

۲- ایراد نگارشی: «تدابیر» اجرا نمی شوند، اتخاذ می شوند.

۳- ایراد حقوقی: در تبصره (۲)، اگر قرار مناسب لازم است، پس چرا در صدر ماده برای تمام قرارهای تعویق، صدور قرار مناسب الزام نشده است.

۴- ایراد حقوقی: در تبصره (۲) مشخص نشده که ضمانت اجرای نهایی اخذ تأمین مناسب چیست.

ماده (۴۱):

۱- ابهام: اطلاق «زمان و مکان» در بند(۱) این ماده موجد ابهام از حیث مصداق است و این اطلاق می تواند موجبات آزار و اذیت فرد متهم را فراهم آورد.

۲- مغایرت با قانون اساسی: طبق اصل ۶۱ قانون اساسی اعمال قوه قضائیه باید از سوی دادگاه های دادگستری صورت گیرد، فلذا سپردن تعیین زمان و مکان به مددکاری اجتماعی، مغایر

اصل ۶۱ است.

۳- ابهام: در بندهای چهارگانه این ماده، مخاطب و مرجع این تدابیر مشخص نگردیده است و معلوم نیست چه کسی باید این اوامر را اجرا کند.

۴- ابهام: رابطه مددکاری اجتماعی با قرار تعویق صدور حکم و جایگاه آن در نظام قضایی تبیین نشده است.

۵- ابهام: اطلاق «اطلاعات، اسناد و مدارک» از حیث مصداق موجد ابهام است.

۶- ابهام: «جابجایی» از حیث مفهوم و مصداق موجد ابهام است، چرا که هر جابجایی در سطح شهر و محله و کوچه هم ممکن است مصداق آن باشد.

۷- ابهام و ایراد حقوقی: در حالی که فرد موظف به اعلام تغییر شغل و اقامتگاه شده است، ارائه گزارش از آن فاقد توجیه است.

۸- ایراد حقوقی: فلسفه الزام به اخذ اجازه برای خروج از کشور آن هم در جرایم خفیف مشخص نیست.

۹- ابهام: «نهادهای حمایتی» از حیث مصداق واجد ابهام است، چرا که به عنوان مثال «بنیاد بیماری‌های خاص» نیز در ذیل نهادهای حمایتی قرار می‌گیرد.

۱۰- ابهام: «تدابیر معاضدتی» از حیث مصداق واجد ابهام است و ذکر یک مثال (معرفی به نهادهای حمایتی) زائل کننده این ابهام نیست.

ماده (۴۲):

۱- ابهام: «اختلال اساسی و عمده» از حیث مصداق واجد ابهام است.

۲- ایراد نگارشی: موارد ذکر شده در بندهای هشتگانه «دستور» نیست، بلکه اقدام است. فلذا صدر ماده باید اصلاح شود.

۳- تأمل شرعی: در بند (۷)، چنانچه معاون یا شریک جرم، همسر مرتکب باشد، منع او از معاشرت با وی مغایر با شرع است. همچنین است در مورد بزه‌دیده، در جرم ترک انفاق. (منوط به

نظر فقهاء عظام شورا می‌باشد).

ماده (۴۵):

۱- **ابهام و ایراد حقوقی:** تنها مجازات حبس است که یک سوم آن قابل تصور است و پس از تحقق آن می‌توان درخواست تعلیق نمود. ولی در خصوص مجازات‌های نقدی، شلاق، ... تصور اینکه دادستان پس از اجرای یک سوم آن تقاضای تعلیق نماید مواجه با اشکال است.

۲- **ایراد حقوقی و نگارشی:** قسمت اخیر ماده که حکم حالت خاصی را بیان می‌کند، ضروری

است به عنوان تبصره درج شود.

ماده (۴۶):

۱- **ایراد نگارشی:** با توجه به اینکه عنوان فصل اول کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده،

«جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» است، بند (۱) این ماده محل تأمل است.

۲- **ابهام:** علیرغم تکرار مکرر عبارت «جرایم سازمان یافته» در قوانین موجود، لکن تعریفی از این

نوع جرایم در این لایحه و سایر قوانین موجود ارائه نشده که این مسأله موجب ابهام از حیث مصادیق خواهد شد.

۳- **ابهام:** عبارت «عمده» در بند (۴) واجد ابهام است و در هیچ یک از مقررات مربوط به مواد

مخدر، مشروبات الکلی، سلاح و مهمات معیاری برای آن ارائه نشده است.

۴- **ایراد نگارشی:** تکرار عبارت «قاچاق» در انتهای بند (۴) در خصوص «قاچاق انسان» صحیح

نیست، چرا که در ابتدای بند، عبارت قاچاق به صورت خلاصه درج گردیده است.

۵- **ابهام:** در بند (۶)، تعریفی از «جرایم اقتصادی» ارائه نشده است و همین موجب ابهام گردیده

است. ضمن اینکه با توجه به بند (۲) ماده (۱۰۸) همین لایحه، مشخص نیست جرایم اقتصادی منحصر در جرایم مذکور در داخل پراتنز بند (۲) ماده (۱۰۸) است یا خیر.

ماده (۴۸):

۱- **ابهام و ایراد حقوقی:** در خصوص تعلیق اجرای مجازات پس از صدور حکم محکومیت،

چنانچه حکم قطعیت یافته باشد، دادگاه محق نخواهد بود در آن دخل و تصرف نماید، مگر با وجود

جهات اعاده دادرسی. ضمن اینکه مرجع صالح برای صدور قرار تعلیق پس از صدور حکم محکومیت مشخص نشده است.

۲- ایراد حقوقی و نگارشی: به جای لفظ «کسی» باید از لفظ «شخصی» استفاده شود تا شامل اشخاص حقوقی نیز گردد.

ماده (۴۹):

۱- ابهام: با توجه به اینکه تعریفی از عذر موجه در این لایحه ارائه نشده است، این عبارت موجد ابهام است.

۲- ایراد حقوقی: در نظام حقوقی ایران «قاضی اجرای مجازات‌ها» نداریم، بلکه «قاضی اجرای احکام» داریم.

ماده (۵۰):

- ایراد حقوقی: در حقوق کیفری «مدعی خصوصی» مطرح نیست، بلکه به جای آن شاکی خصوصی مطرح می‌شود.

ماده (۵۳):

- ایراد شکلی (قانون‌نویسی): قسمت اخیر ماده مبنی بر لزوم تصریح به متهم که در صورت ارتکاب جرم در زمان تعلیق، چه آثاری متوجه وی خواهد شد، فاقد ارتباط با صدر این ماده است و ضروری است در یک ماده مستقلاً درج شود.

ماده (۵۴):

- ابهام: «محکومیت‌های قطعی دیگر» به جهت آنکه شامل محکومیت‌های قطعی اداری نیز می‌گردد، موجد ابهام است.

فصل ششم: آزادی مشروط

ماده (۵۵):

- ابهام: «نظایر این‌ها» واجد ابهام است که موجبات تفسیر موسّع از قوانین کیفری را فراهم می‌نماید.

ماده (۵۶):

۱- ابهام: فاعل «سپردن تأمین مناسب» و «تعهد به انجام یک فعالیت» در صدر جمله مشخص نیست.

۲- ابهام: «شرایط قانونی» در ذیل این ماده واجد ابهام است.

۳- ابهام: در عبارت «رضایت وی» مرجع ضمیر مشخص نیست که «محکوم» است یا «بزه‌دیده» و در صورت ارجاع آن به «بزه‌دیده» با صدر ماده (گذشت شاکی) تداخل معنایی پیدا می‌کند.
ماده (۵۷):

۱- ابهام: مشخص نیست «استطاعت» مندرج در بند (۳) مالی است یا جسمی و یا هر دو.

۲- ایراد نگارشی و ابهام: در بند (۳) «قرار» برای پرداخت ضرر و زیان واجد ابهام است و به جای آن بایستی «تعهد» مورد استفاده قرار گیرد.

۳- ایراد حقوقی: در بند (۳) به جای مدعی خصوصی، باید از لفظ شاکی خصوصی استفاده شود.

۴- ایراد حقوقی و ابهام: با توجه به امکان تغییر محل نگهداری محکومان در زندان‌های مختلف و نیز تغییر رؤسای زندان صلاحیت «رئیس زندان محل» محل تأمل است.
ماده (۵۹):

- ایراد حقوقی: عبارت «مندرج در تعویق صدور حکم» از لحاظ حقوقی و قانون‌نویسی صحیح به نظر نمی‌رسد و ضروری است به جای این عبارت شماره ماده مربوطه درج شود.
ماده (۶۰):

- ابهام: «عذر موجه» در این قانون تعریف نشده است.

ماده (۶۱):

۱- ایراد نگارشی: در سطر دوم ماده، یک «را» زائد است.

۲- ایراد نگارشی: در تبصره لفظ «تدابیر» به معنی عاقبت‌اندیشی است و مناسب با این معنا نیست.
(واژه «اقدامات» مناسب‌تر به نظر می‌رسد.)

۳- ابهام: عبارت «سیستم‌های الکترونیکی» از حیث تعریف و مصداق واجد ابهام است.

ماده (۶۲):

- مغایرت با قانون اساسی: سپردن تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون به رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

فصل هفتم: مجازات‌های جایگزین حبس

ماده (۶۳):

- ابهام: عبارت «سایر اوضاع و احوال» مبهم است و ممکن است موجبات تفسیر موسع قوانین کیفری را فراهم آورد.

ماده (۶۵):

- ابهام: با توجه به تغییرات جدید، عبارت «از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد» موجد این ابهام است که آیا منظور، گذشتن ۵ سال از آغاز اجرای مجازات است و یا منظور این است که ۵ سال از زمان اتمام کامل اجرای مجازات است.

ماده (۶۷):

- ابهام: مشخص نیست منظور از عبارت «مجازات قانونی جرم» حداقل مجازات قانونی مورد نظر است یا حداکثر آن.

ماده (۶۸):

۱- مغایرت با قانون اساسی: عدم تعیین جرم و مجازات آن در این ماده مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی است.

۲- ایراد حقوقی: اصولاً رفتاری که نوع و میزان مجازات آن تعیین نشده باشد، جرم نیست که بتوان برای آن مجازات جایگزین حبس تعیین کرد.

ماده (۶۹):

۱- ابهام: اطلاق «مجازات جایگزین» و عدم تقیید آن به «حبس» موجد ابهام است.

۲- ابهام: «در صورت تعذر» از حیث اطلاق و عدم تعیین و تعریف مصادیق موجد ابهام است.

ماده (۷۰):

- ایراد حقوقی و نگارشی: ضروری است به جای «اعمال مجازات جایگزین» از عبارت «تعیین مجازات جایگزین» استفاده شود.

ماده (۷۱):

۱- ایراد حقوقی و ابهام: عبارت صدر ماده مبنی بر «تعدد جرایم عمدی» با توجه به مفهوم حقوقی خاص «تعدد جرم»، در جایگاه غیرمرتبط ذکر گردیده و از حیث مفهوم موجد ابهام است. لذا

به نظر می‌رسد می‌بایست از عبارت «ارتکاب جرایم عمدی متعدد» استفاده شود.

۲- ایراد نگارشی: عبارت «جرایم» جمع جریمه است و نه جرم، فلذا بهتر است از عبارت «جرم‌ها» یا معادل آن استفاده شود. ضمن اینکه در اضافه تعدد و جرم، لفظ دوم نباید به صورت جمع ذکر گردد. تعدد جرم و نه تعدد جرایم.

۳- ابهام: مشخص نیست منظور از عبارت «مجازات قانونی»، «حداقل» مجازات قانونی، مورد نظر بوده و یا «حداکثر» آن؟

ماده (۷۲):

۱- ابهام: مشخص نیست منظور از عبارت «مجازات قانونی» حداقل مجازات قانونی مورد توجه است یا حداکثر آن؟

۲- ایراد حقوقی: با توجه به اینکه تخفیف مجازات هیچ ارتباطی به مجازات قانونی ندارد، فلذا استثنای وارد شده مورد تخفیف، از لحاظ حقوقی صحیح نمی‌باشد.

ماده (۷۳):

- ایراد شکلی: مکان قرار گرفتن ماده در این فصل صحیح نیست و بر اساس اصول قانون‌نویسی، ضروری است در انتهای فصل درج شود.

ماده (۷۵):

- ایراد حقوقی و شکلی: جایگاه این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری است.

ماده (۷۶):

۱- ابهام: با توجه به عدم پیش‌بینی سمت «قاضی اجرای احکام مجازات‌های جایگزین حبس» در مقررات آیین دادرسی کیفری، مشخص نیست که منظور از آن چیست؟

۲- ابهام: مفهومی به عنوان «توقف موقت مجازات» در این لایحه و به طور کلی در مقررات آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مرتبط تعریف نشده است و از این لحاظ واجد ابهام است.

ماده (۷۷):

- ایراد حقوقی و ابهام: «طول دوره محکومیت» از حیث مفهوم و مصداق واجد ابهام است و

اساساً در ادبیات حقوقی چنین لفظی مصطلح نیست. به نظر می‌رسد عبارت صحیح و منظور نظر «طول دوره اجرای مجازات» باشد.

ماده (۷۸):

- ۱- ایراد شکلی: جایگاه مناسب این ماده در انتهای فصل است و نه در وسط فصل.
- ۲- ابهام: «دستگاه‌ها» از حیث مفهوم و مصداق واجد ابهام است. در قانون خدمات کشوری، تنها واژه مشابه که تعریف شده، «دستگاه‌های اجرایی» است، اما اطلاق واژه «دستگاه‌ها» که مفید عمومیت است، فاقد تعریف مشخصی است.
- ۳- ابهام: مشخص نیست «واو» در عبارت «مؤسسات عمومی و دولتی»، «واو» وصف است و یا «واو» فصل، که از حیث مفهوم و مصداق واجد ابهام است. و معلوم نیست مؤسسات عمومی غیردولتی شامل آن می‌شود یا خیر.
- ۴- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اینکه آیین‌نامه مزبور برای دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی تعیین تکلیف می‌نماید و تعیین آن به عهده هیأت دولت نهاده شده است، مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.
- ۵- ابهام: مبداء زمان سه ماه تعیین شده در این ماده مشخص نشده است که آیا از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون است یا از زمان تصویب آن.
- ۶- مغایرت با قانون اساسی: واگذاری تعیین نوع خدمات عمومی در مجازات‌های جایگزین حبس به آیین‌نامه، مغایر با اصول ۸۵ و ۳۶ قانون اساسی است که تعیین انواع مجازات‌ها را منوط به تعیین در قانون و تصویب در قوه مقننه کرده است.
- ۹- ایراد حقوقی: منوط شدن و مشروط شدن لازم‌الاجرائی شدن قانون به امری دیگر و خارج از قانون مغایر با اصول قانون‌نویسی است. این مسئله اساساً با فلسفه تدوین قانون مغایر است.
- ۱۰- ابهام: ظرف زمانی سه ماه مشخص نیست مربوط به تهیه از سوی وزارت دادگستری و وزارت کشور است و یا مربوط به تصویب نهایی آن.

ماده (۷۹):

۱- ابهام: مرجع ضمیر «آن» در انتهای ماده مشخص نیست و معلوم نیست به «مدت زمان محکومیت مجرم» باز می‌گردد یا «بقیه مدت مجازات».

۲- مغایرت با قانون اساسی: استفاده از لفظ «تقلیل»، با توجه به وجود لفظ فارسی «کاهش»، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی به نظر می‌رسد.
ماده (۸۰):

۱- ایراد حقوقی و نگارشی: عطف عبارت «رای دادگاه» به «پیشنهاد قاضی اجرای احکام»، صحیح نیست و به نظر می‌رسد ضروری است به «به موجب تصمیم دادگاه» تبدیل شود.

۲- ابهام: اطلاق «قاضی اجرای احکام» با توجه به وصف آن در مواد گذشته (از جمله ماده ۷۶)، از لحاظ وحدت یا تعدد مفهوم و مصداق، محل تأمل و ابهام است. (تبصره)

۳- ایراد حقوقی: در تبصره، تعیین نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم به عهده قاضی اجرای احکام سپرده شده، حال آنکه نحوه آن بایستی از سوی دادگاه تعیین شده و توسط قاضی اجرای احکام اجرا شود.

ماده (۸۱):

- ایراد نگارشی: «متوقف کردن مجازات» به «متوقف کردن اجرای مجازات» تبدیل شود.

ماده (۸۲):

۱- ایراد نگارشی: از نظر نگارشی فعل انتهایی صدر ماده، متناسب با مبتدای جمله نیست. چرا که طی دوره مراقبت، فرد محکوم نمی‌شود، بلکه در طی آن فرد ملزم به اجرای آن می‌شود.

۲- ایراد حقوقی: قاضی اجرای احکام به صورت مطلق، با توجه به مقید بودن آن در ماده (۷۶) از لحاظ وحدت یا تعدد مفهوم و مصداق، محل تأمل است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: در انتهای بند (۲) به جرایمی اشاره کرد که مجازات آن تعیین نشده و این خلاف صریح ذیل اصل ۳۶ قانون اساسی است.

ماده (۸۳):

۱- ابهام: آیا منظور از «قاضی اجرای احکام» در صدر ماده و تبصره‌های آن، همان «قاضی اجرای

احکام مجازات‌های جایگزین» در مواد قبلی (از جمله ماده ۷۶) است و یا غیر آن؟

۲- **مغایرت با قانون اساسی:** مبنیاً بر ماده (۷۸) که خدمات عمومی را با اساس آیین‌نامه مصوب هیأت دولت تعریف کرده است، عدم تعریف این خدمات در قانون، مغایر اصول ۳۶ و ۸۵ قانون اساسی است.

۳- **مغایرت با قانون اساسی:** بند یک این ماده که دست قاضی را بسیار باز گذاشته و به او اجازه داده تا از یک ساعت تا دو ساعت و هفتاد ساعت خدمات عمومی رایگان تعیین کند، مغایر با اصول حقوقی و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی است. باید تأکید می‌شد که به تناسب مجازات اصلی، ساعت خدمت تعیین می‌شود. (این ایراد در سایر بندها نیز وجود دارد).

۳- **ایراد نگارشی:** در تبصره (۱) و (۲) به جای «ارائه خدمت عمومی» باید از عبارت «انجام خدمت عمومی» استفاده شود چرا که «ارائه» به معنی «نشان دادن» است.

۴- **مغایرت با قانون اساسی:** آیین‌نامه مورد اشاره در تبصره (۳) که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مغایر اصول ۳۶ و ۸۵ قانون اساسی است.
ماده (۸۴):

۱- **ابهام:** «نظارت اجرای احکام» واجد ابهام است. (منظور از آن به نظر می‌رسد «قاضی اجرای احکام مجازات‌های جایگزین» بوده است).

۲- **مغایرت با قانون اساسی:** عدم تصریح به لزوم «رعایت تناسب» توسط قاضی برای حکم به جزای نقدی در بندهای چهارگانه، در عمل مستلزم تبعیض ناروا است که مغایر با بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ماده (۸۵)

- **مغایرت با قانون اساسی:** ایراد پیش گفته در ماده قبل.

فصل دهم: اقدامات تأمینی و مجازات‌های اطفال و نوجوانان

ماده (۸۷):

۱- ایراد شکلی: در تبصره (۲) (ذیل بند(ه)) که مربوط به حدود و قصاص است، در ذیل ماده (۸۷) که مربوط به تعزیرات است قابل جمع نیست و از حیث موضوع خارج از آن است.

۲- تأمل شرعی: در تبصره (۲)، عبارت «در غیر این صورت» دو مرجع ضمیر برایش ممکن است یکی نابالغین پسر ۷ تا ۱۲ سال قمری و دیگری نابالغین و بالغین ۷ تا ۱۲ سال. از این لحاظ، قسمت اخیر (که دختران بالغ را نیز شامل می‌شود) دارای تأمل شرعی است.

۳- ابهام: عبارت «در غیر این صورت» در تبصره (۲) از حیث مرجع ضمیر واجد ابهام است.
ماده (۸۹):

- ابهام: در سطر دوم، عبارت «تا یک سوم تقلیل دهد» واجد ابهام است و معلوم نیست میزان تقلیل مورد نظر است و یا میزان نهایی پس از تقلیل. فلذا از حیث مفهوم واجد ابهام است.
ماده (۹۰):

- تأمل شرعی: کلاً محل تأمل است. چگونه است که قاعده در اجرا می‌شود ولی تعزیر بر او اعمال می‌گردد؟!
ماده (۹۴):

- ابهام: مشخص نیست منظور از «آثار کیفری»، سجل کیفری متهم است و یا آثار تبعی و محکومیت‌های تبعی، که از این حیث واجد ابهام است.

فصل یازدهم: سقوط مجازات

ماده (۹۷):

- ایراد حقوقی: زوال تمام آثار محکومیت در عفو رهبری (عفو خاص) مغایر با اصول حقوق جزا و تبصره (۴) و (۵) ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی کنونی است.
ماده (۹۸):

- تعارض و ایراد حقوقی: با توجه به اینکه قسمت اول ماده نسخ قانون را موجب توقف تعقیب و اجرای مجازات دانسته و در عین حال در قسمت دوم، نسخ قانون را به ماده (۱۰) ارجاع داده است، ذکر قسمت اول زائد است و با حذف قسمت اول، وضع این ماده غیر منطقی است.

ماده (۹۹):

۱- ایراد نگارشی: در تبصره یک از نظر نگارشی، ضروری است بعد از عبارت «اجرای مجازات» ضمیر «آنها» اضافه شود تا به «جرایم» در ابتدای تبصره مرتبط شود.

۲- ایراد حقوقی و ابهام: با توجه به عدم تصریح به «مدعی خصوصی» در تبصره‌ها، ذکر آن در صدر ماده صحیح نیست و ابهام‌زا خواهد بود.

ماده (۱۰۱):

- ایراد نگارشی: در صدر ماده با توجه به اینکه نمی‌توان «رسیدگی و اجرای مجازات» را متصف به «موقوفی» کرد، فلذا باید قبل از «رسیدگی» و قبل از «اجرای مجازات» کلمه «عدم» درج گردد.

مبحث چهارم: مرور زمان

ماده (۱۰۸):

۱- ابهام: بند اول این ماده از حیث شمول واجد ابهام است که آیا محدود به فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی کنونی است و یا فراتر از آن است که در صورت اخیر شامل چه قوانین و مقررات دیگر خواهد شد، به عنوان مثال جرایم موضوع قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) شامل این بند خواهد شد یا خیر؟ و یا قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سعمی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند (مصوب ۱۳۸۶) و یا قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) چه حکمی دارند؟ یا در ذیل جرایم علیه امنیت قرار می‌گیرد یا خیر؟

۲- ایراد حقوقی: با توجه به شمول گسترده عبارت «جرایم اقتصادی» به جرایم دیگر، مشخص نیست منظور از ذکر این عنوان همان عبارت داخل پرانتز (کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۵ این قانون) است یا فراتر از آن. در صورت صحت وجه اول، ذکر عبارت «جرایم اقتصادی» حشو زاید است.

۳- ایراد حقوقی: عدم شمول مقررات مرور زمان به کلیه جرایم مندرج در قانون مبارزه با مواد

مخدر که شامل اعتیاد و استعمال مواد مخدر نیز می‌شود، فاقد توجیه و منطقی حقوقی است و موجب برابر دانستن حکم آنها با قاچاقچیان کلان خواهد بود.

مبحث پنجم: توبه مجرم

ماده (۱۱۳):

- ایراد حقوقی: در تبصره (۲)، در خصوص زنا و لواطی که به صورت عنف صورت گرفته به نظر می‌رسد میزان مجازات تعزیری تعیین شده متناسب نیست و ضروری است مجازات شدیدتری در این زمینه تعیین گردد. ضمن آنکه وضع مجازات یکسان برای موارد عنف در چنین جرایمی با اکراه و اغفال در این جرایم، به نظر صحیح نمی‌باشد.

بخش سوم: جرایم

فصل اول: شروع به جرم

ماده (۱۲۱):

۱- ایراد حقوقی: در بند یک با توجه به مجازات شش ماه تا سه سال برای شروع به جرم قتل در قانون مجازات اسلامی کنونی (ماده ۶۱۳)، تعیین مجازات تعزیری درجه ۴ (پنج تا ده سال) برای شروع جرایم دارای مجازات سلب حیات و حبس دائم، نامتناسب و شدید است. به علاوه تعیین مجازات درجه چهار برای تمام جرایم مستوجب حبس درجه‌های یک و دو و سه به طور یکسان فاقد تناسب لازم برای مجازات شروع به جرم است.

۲- ایراد حقوقی: با توجه به ماده (۱۲۶) همین لایحه، شروع به جرم دارای مجازاتی شدیدتر از معاونت در این لایحه است که به نظر می‌رسد مغایر با اصل تناسب جرم و مجازات است.

۳- ابهام: در تبصره عبارت «رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته» مبهم است و غیرضروری به نظر می‌رسد، چرا که این تبصره در ذیل ماده مربوط به شروع به جرم بیان شده و به نوعی تکرار صدر ماده است، لذا این شباهت موجد ابهام خواهد بود.

۴- ابهام: با توجه اینکه در جرایم عقیم، امکان ارتكاب جرم همچنان وجود دارد، لذا عبارت

«وقوع جرم غیرممکن است» مندرج در تبصره که هم برای جرم محال و هم برای جرم عقیم بکار رفته، دارای اشکال حقوقی است و بدین لحاظ، ماده را از حیث میزان شمول مواجهه با ابهام می‌سازد.

۵- ابهام: این ماده در خصوص شمول به برخی جرایم واجد ابهام است و مشخص نیست حکم شروع به جرم سایر جرایم چه مجازاتی دارند؟ به عنوان مثال جرایمی که مجازات آنها تعزیر درجه ۶ و ۷ و ۸ است، در این ماده مشخص نشده‌اند. همچنین سایر جرایمی که مجازات آنها تعزیر غیر از حبس است، در این ماده تعیین تکلیف نشده‌اند.

فصل دوم: شرکت در جرم

ماده (۱۲۴):

۱- ایراد حقوقی: تکلیف دادگاه به تخفیف الزامی در صورت «ضعیف بودن مداخله شریک» مندرج در تبصره ماده (۴۲) قانون مجازات اسلامی و تبصره (۲) ماده (۱-۱۳۲) لایحه مجازات اسلامی (تقدیمی به مجلس) منطبق با موازین حقوقی می‌باشد که حذف آن در این لایحه، غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

۲- ایراد نگارشی: در تبصره این ماده، اضافه کردن «و» میان عبارات سوم و چهارم ضروری است.

فصل سوم: معاونت در جرم

ماده (۱۲۵):

- ایراد نگارشی: در بند (۲)، کلمه «طریقه» صحیح نیست و باید «طریق» ذکر شود. (همانند ماده ۴۳

قانون مجازات اسلامی کنونی)

ماده (۱۲۶):

۱- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اینکه نظام حقوقی ما، نظام مبتنی بر قانون نوشته است و اساساً فلسفه تدوین مقررات حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در قانونی تحت عنوان «قانون مجازات اسلامی» احصای کلیه جرایم و مجازات‌ها در آن است، لذا آوردن عبارت «در شرع» نقض غرض است و با اصل ۳۶ قانون اساسی که مجازات مبتنی بر قانون را تجویز کرده است، مغایر به نظر می‌رسد.

۲- ایراد حقوقی: شدت مجازات معاونت در بند یک (جرم مستوجب سلب حیات و یا حبس دائم) قابل مقایسه با قانون مجازات اسلامی و لایحه تقدیمی ابتدایی از سوی قوه قضائیه به مجلس نیست.

در قانون مجازات اسلامی برای معاونت در قتل (ماده ۲۰۷) سه تا پانزده سال حبس در نظر گرفته شده است، لکن در این لایحه، پانزده تا بیست و پنج سال حبس پیش‌بینی شده است!

فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان‌یافته

- ابهام: به جهت عدم تعریف جرم «سازمان‌یافته» در این مواد و کل لایحه و در دیگر قوانین و مقررات کشور، این عبارت واجد ابهام است و ضروری است این عنوان تعریف شود.
ماده (۱۲۹):

۱- ایراد نگارشی: عبارت «گروه مجرمانه» هم در متن ماده و هم عنوان فصل از لحاظ نگارشی واجد اشکال است، زیرا به کار بردن وصف مجرمانه برای گروه اشتباه می‌باشد و باید به گروه جنایتکار یا بزهکار تبدیل گردد.

۲- ایراد نگارشی: عبارت «شدیدترین جرم» عبارت صحیحی نبوده زیرا وصف شدت برای «مجازات» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- ابهام: تبصره (۲) عبارت طراحی گروه مجرمانه از حیث مفهوم و مصداق دارای ابهام است و مشخص نیست چه کسی گروه جنایتکار را طراحی می‌کند.
ماده (۱۳۱):

- ابهام: با توجه به اینکه عبارت «اعدام» در تبصره مشتمل بر تمام مجازات‌های حدی سالب حیات نمی‌شود (همانند مجازات‌های سنگسار، پرتاب از بلندی، ...) ضروری است از عبارت «مجازات سالب حیات» به جای «اعدام» استفاده شود.

فصل پنجم: تعدد

ماده (۱۳۳):

۱- ایراد شکلی: عدم توضیح موضوع ماده، پیش از ورود به موارد (الف) و (ب)، خلاف قواعد و اصول نگارش قانون‌نویسی است.

۲- ایراد نگارشی و ابهام: در انتهای بند (الف)، عبارت «مجازات اشد بعدی» علاوه برای ایراد نگارشی، موجب ابهام است. چرا که چنانچه همان مجازات اشد، پس از تخفیف و تبدیل همچنان از سایر مجازات‌ها سنگین‌تر باشد، این ابهام مطرح است که باید کدام مجازات اعمال گردد.

۳- ایراد حقوقی: در بند (الف) این ماده، علیرغم مشابه آن در لایحه تقدیمی قوه قضائیه (ماده ۱۳۴-۵ و تبصره آن) و ماده (۴۷) قانون مجازات که میان تعدد در جرایم مشابه و غیرمشابه تفکیک قائل شده بود و طی آن مجازات اشد را برای جرایم مشابه و جمع مجازات‌ها را برای جرایم غیرمشابه پذیرفته بود، در این ماده همه جرایم با یک حکم مورد توجه قرار گرفته است که این مغایر با اصول حقوق جزایی است.

۴- ابهام: در بند (ب) حکم این بند، در خصوص مجازات‌هایی که قابل درجه‌بندی و تقسیم نیستند، و نمی‌توان یک چهارم آن را مورد محاسبه قرار داد، واجد ابهام است.
مجازات‌هایی نظیر مصادره اموال، تعطیلی مؤسسه، ... مشمول این ابهام هستند.

۵- ابهام: عدم پرداختن به حکم تعدد مجازات جرایم غیرعمدی، موجب ابهام در تعیین مجازات برای جرایم غیرعمدی می‌گردد.

۶- ابهام: در تبصره (۴)، در قسمت انتهایی، این ابهام وجود دارد که مجازات‌های درجه ۷ و ۸ با همه مجازات درجات ۱ تا ۶ جمع شود، حال آنکه منظور تبصره آن بوده که درجات ۷ و ۸ با مجازات شدیدتر درجات ۱ تا ۶ جمع شود (با رعایت مقررات تعدد).
ماده (۱۳۴):

۱- ابهام: عبارت «تعزیر معین شرعی» واجد ابهام است. چرا که در هیچ یک از قوانین و مقررات موجود و همین‌طور در این لایحه، تفکیکی میان تعزیرات معین شرعی و تعزیرات غیرمعین نشده است و تشخیص آنها برای قضات مأذون کنونی امکان‌پذیر نیست.

۲- ابهام: مستثنی کردن صرف «حد» در صورت ایجاد تأخیر و عدم اشاره به قصاص - در صورتی که اجرای سایر مجازات‌ها موجب تأخیر در اجرای آن شود - محل ابهام است و مشخص نیست اگر

اجرای مجازات‌ها موجب تأخیر اجرای قصاص بشود، کدام مجازات مقدم خواهد بود.

فصل ششم: تکرار جرم

ماده (۱۳۵):

- ایراد حقوقی: با توجه به تفکیک و تمایز حقوقی میان مجازات قصاص نفس، اعدام و قتل،

استفاده از لفظ «حد اعدام» محل ایراد است و ضروری است، به «حد قتل» تغییر یابد.

ماده (۱۳۶):

- ایراد نگارشی: در سطر دوم بعد از عبارت «مجازات»، ویرگول ضروری است. در سطر سوم نیز،

بعد از عبارت «حداکثر مجازات»، ویرگول ضروری است تا مشخص شود که حداقل مجازات قابل

اعمال، حداکثر مجازات مقرر در قانون برای آن جرم است.

ماده (۱۳۷):

- ابهام: جرم سیاسی در مقررات موضوعه تعریف نشده است و لذا از حیث مصداق و مفهوم

واجد ابهام است.

ماده (۱۳۸):

- ابهام: در بند (۲) مشخص نیست «مجازات مقرر» همان مجازات قانونی برای جرم است؟ و یا

مجازات تعیین شده برای تکرار جرم بر اساس ماده (۱۳۶) (حداکثر تا یک و نیم برابر)؟ که از این

حیث واجد ابهام و ایراد حقوقی است.

بخش چهارم: شرایط و موانع مسئولیت کیفری

فصل اول: شرایط مسئولیت کیفری

فصل دوم: موانع مسئولیت کیفری

ماده (۱۴۹):

۱- ایراد حقوقی: عدم مسئولیت دادستان در قبال افرادی که پس از ارتکاب جرم مستوجب

قصاص و حدود دچار جنون می‌شوند، دارای ایراد حقوقی است.

۲- ایراد حقوقی: عدم تعیین مدت برای اعتراض به حکم نگهداری مجنون توسط خود وی و یا خویشاوندان وی با بند(۶) سیاستهای کلی قضایی مبنی بر کاهش اطاله دآوری و اصول حقوقی مغایر است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: در تبصره(۱) در قسمت انتهایی، از آنجا که قابلیت تعقیب و رسیدگی به اتهامات فرد مجنون که متهم به ارتکاب جرم مستوجب قصاص و دیه شده را مجاز دانسته، مغایر دادرسی عادلانه می باشد، زیرا مجنون امکان دفاع از خویش را دارا نیست، بر این اساس این مقرر مغایر بند(۱۴) اصل ۳ قانون اساسی است.

۴- ایراد حقوقی: با توجه به عدم سقوط مجازات مجنون در تبصره یک، مجازات این افراد مغایر با اصل اصلاح و تربیت بزهکار و اصل سودمندی کیفر است.

۵- تعارض: بر اساس تبصره یک، در حالی امکان رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم (هر جرمی) پذیرفته شده است، که در صدر ماده رسیدگی به جرایم مبتلایان به جنون نفی شده است و این نشان دهنده تعارض میان صدر و تبصره این ماده است؛ چرا که تا به جرم اصلی (منشاء ضرر و زیان) رسیدگی نشود، جنبه مدنی و جبران خسارت ناشی از آن نیز قابل رسیدگی نخواهد بود.
ماده(۱۵۲):

- ایراد حقوقی: علیرغم تأکید به «و مانند آنها» در صدر ماده، در انتهای ماده تنها به خواب و بیهوشی محدود شده است و از این حیث واجد ایراد است.
ماده(۱۵۴):

- ایراد حقوقی: از آنجا که واژه «حکم» گاه در مقابل «موضوع» قرار می گیرد، لذا به کار بردن آن در صدر ماده که به معنای قانون (متشکل از موضوع و حکم) می شود، به نظر واجد ایراد است، هرچند مراد قانونگذار با توجه به تبصره، قابل کشف است.
ماده(۱۵۵):

۱- تأمل شرعی: عدم اشتراط شرط «تناسب» برای دفاع در برابر تجاوز (تناسب میان دفاع و تجاوز) علیرغم تأکید بر آن در نصوص فقهی، محل تأمل است.
همچنین در مبانی فقهی بر رعایت شرط «الاسهل فالاسهل» تأکید شده است.

۲- تأمل شرعی و ایراد حقوقی: بر اساس بند(۳)، دفاع فردی که می‌داند اگر به «محل مباحی» وارد شود، خطر و تجاوزی او را تهدید می‌کند، دفاع مشروع تلقی نخواهد شد که این مسئله مغایر با نصوص شرعی و اصول حقوقی به نظر می‌رسد.

۳- ابهام: در تبصره(۲)، سخن از «محرز بودن اصل دفاع» به میان آمده، در حالی که شرایط احراز اصل دفاع - فارغ از شرایط آن - به طور مشخص تبیین نگردیده که از این حیث، تبصره واجد ابهام است.

۴- ابهام: در تبصره یک اصلاحی، عبارت «نزدیکان دفاع‌کننده» از حیث مصداق واجد ابهام است. چرا که مشخص نیست دوستان، همکاران و ... هم شامل آن می‌شود و یا خیر؟ و آیا اقربای نسبی و سببی تا چه درجه‌ای در ذیل نزدیکان هستند.

۵- ایراد حقوقی: نکته دیگر آن است که (در تبصره یک) هیچ خصوصیتی در نزدیکان وجود ندارد که دفاع از دیگران منحصر در آنان شده است و اصولاً بر اساس مبانی اسلامی، دفاع از سایرین در شرایطی واجب است و خروج سایرین فاقد توجیه حقوقی است.
ماده(۱۵۶):

۱- ابهام: در این ماده وضعیت دفاع از دیگری در مقابل اقدامات غیرقانونی قوای انتظامی تعیین تکلیف نشده است، فلذا مشخص نیست در چنین مواردی دفاع جایز است یا خیر؟ که از این لحاظ، واجد ابهام است.

۲- ابهام: تکلیف دفاع شخص در مقابل تعرض به مال خود یا دیگری در مقابل اقدامات قوای انتظامی مورد غفلت واقع شده که از این لحاظ نیز دارای ابهام است.
ماده(۱۵۷):

۱- ابهام: در بند(۲) مرجع تشخیص اهم بودن قانون و معیار تشخیص آن تعیین نشده است.
۲- تأمل شرعی: در بند(۴) ممکن است «حد متعارف تأدیب» بیشتر از حد مجاز شرعی برای تأدیب باشد که از این نظر محل ایراد شرعی است.

۳- ابهام: در بند(۴) «حد متعارف تأدیب و محافظت» از حیث تعریف و مصداق واجد ابهام است.
ماده(۱۵۸):

۱- ابهام: عبارت «مقامات رسمی» در این ماده، ابهام دارد و مشخص نشده که آیا شامل مستخدمین رسمی می‌شود و یا اشخاص دیگر مرتبط با آن را نیز شامل می‌شود.
همچنین مشخص نیست که مقام رسمی، تنها ناظر به مقام صلاحیت‌دار مافوق مأمور در سلسله مراتب اداری است یا هر مقام مافوقی را شامل می‌شود.

۲- ابهام: با توجه به تصریحی که قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۷) مبنی بر مسئولیت مأمور در قبال دیه وجود دارد (+ ضمان مالی)، سکوت این ماده در این خصوص موجد ابهام است.

بخش پنجم: ادله اثبات در امور کیفری

فصل اول: مواد عمومی

- به نظر می‌رسد قرار گرفتن مقررات مربوط به ادله اثبات در لایحه مجازات اسلامی، مغایر با اصول قانون‌نویسی است و ضروری است این مواد در لایحه آیین دادرسی کیفری درج شود.
ماده(۱۶۲) اصلاحی:

- ایراد حقوقی و ابهام: مصادیقی که در ماده به عنوان موارد باطل شدن ادله اثبات جرم عنوان شده صحیح نیست، بلکه نتیجه آن است. به عبارت دیگر، اینکه مشخص شود مجرم شخص دیگری باشد، مصداق باطل شدن ادله اثبات جرم نیست، بلکه نتیجه آن است. فلذا صدر ماده دارای ایراد حقوقی و ابهام است.

توضیح آنکه با تبدیل عبارت « و مانند آنکه» به «که به موجب آن» ایراد فوق مرتفع شده و فاقد ابهام خواهد شد.

ماده(۱۶۴):

- ایراد حقوقی: تبصره ماده مزبور با توجه به واحد نبودن موضوع آن با ماده(۱۶۲)، از لحاظ حقوقی و قانون‌نویسی واجد اشکال است و می‌بایست به صورت مقرره جداگانه در یک ماده مجزا ذکر شود.

ماده (۱۶۸):

- ایراد نگارشی: کلمه «تحت» در این ماده، از لحاظ نگارشی صحیح نیست و می‌بایست با حرف اضافه «با» جایگزین شود.

ماده (۱۷۱):

- تأمل شرعی: تبصره (۲) این ماده که در آن پذیرش اقرار در یک یا چند جلسه را می‌پذیرد، به نظر می‌رسد با نظر امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله (ص ۴۵۹) و رأی شعبه ۱۲ دیوان به شماره ۱۲/۱۶۰ مورخ ۱۳۷۱/۷/۳۱ که در آنها، اقرار در یک جلسه را خلاف احتیاط و برخلاف نظر شارع مقدس قلمداد کرده است، مغایرت دارد. (به نقل از: قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، سیدمهدی حجتی، صص ۳۱۴-۳۱۳)

ماده (۱۷۲):

۱- تأمل شرعی: این مقررۀ دقیقاً برخلاف قانون مجازات اسلامی کنونی است. لذا بررسی شرعی آن توسط فقهای شورای نگهبان، ضروری است.

۲- ایراد حقوقی: اصطلاح «حد اعدام» از لحاظ حقوقی، اصطلاح صحیحی نیست؛ زیرا حدّ قتل، صلب و رجم در قوانین و حقوق ایران (برگرفته از فقه) داریم اما «حدّ اعدام» نداریم؛ اصطلاح اعدام، معمولاً ناظر بر مجازات‌های سالب حیات غیرمنصوصه در شرع است.

فصل سوم: شهادت

ماده (۱۷۶):

- ابهام: مفهوم واژگان «ایمان» و حدود و ثغور تعریف آن در این قانون مشخص نشده و مواجه به ابهام است.

ماده (۱۹۴):

- تأمل شرعی: در تبصره عدم کفایت «حسن ظاهر» برای احراز عدالت، محل تأمل است و در تعارض با اصله الصحه و اصله البرائه است و باب را برای تجسس در احوالات خصوصی افراد باز

می‌کند.

فصل چهارم: سوگند

فصل پنجم: علم قاضی

ماده (۲۱۰):

- تأمل شرعی: هم در متن و هم در تبصره از آنجا که «یقین قاضی» به معنی علم صد در صدی است، به نظر می‌رسد ضرورت تحقق آن غیرعملی و مغایر با اصول شرعی و عرفی است، چه آنکه یقین تنها در صورت رأی العین قاضی حاصل می‌شود.

فصل ششم: مسائل متفرقه

- ایراد نگارشی: عنوان این فصل، مناسب نیست و از نظر اصول قانون‌نویسی واجد ایراد است. بهتر است از عنوان «سایر مقررات» استفاده شود.

مواد (۲۱۳) و (۲۱۴):

- ایراد نگارشی: این مواد مربوط به آیین دادرسی کیفری است و ضروری است در قوانین مربوطه درج شود و نه در قانون مجازات اسلامی.

ماده (۲۱۴):

- ایراد نگارشی: در صدر ماده و در ذیل آن، ضروری است پس از عبارت «... یا حین ارتکاب استعمال» از فعل «شده» استفاده شود، چرا که فعل انتهایی جمله متناسب با این عبارت نیست (داده شده است).

ماده (۲۱۵):

۱- ایراد نگارشی: در بند (۸) به جهت آنکه حبس ابد از لایحه مجازات اسلامی حذف گردیده است، تصریح به «حبس تعزیری موقت» فاقد وجه است.

۲- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اینکه بر اساس بند (۸) این ماده تمام مجازات‌های حبس ابد به حبس ۲۵ تا ۳۰ سال تبدیل گردیده است و به جهت آنکه این حکم شامل قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص می‌گردد، مغایر با بند (۸) اصل ۱۱۰ قانون اساسی است.

۳- ابهام: با توجه به اینکه ملاک تبدیل مجازات‌ها در این ماده و مشخص کردن درجه آنها، چون مجازات اعدام تعزیری، نه در ۱۹ این لایحه وضعیت آن مشخص شده و نه در اینجا، واجد ابهام است و معلوم نیست در چه درجه‌ای قرار دارد.

۴- ابهام: در بند(۹) از آنجا که مجازات شلاق را از ۳۱ تا ۷۴ ضربه تعیین کرده است، در حالی که در ماده(۱۹) برای شلاق از درجه ۶، ۳۱ تا ۹۹ ضربه مقرر کرده است، به نظر می‌رسد، نوعی آشفتگی وجود داشته باشد و عدم تطابق داشته باشد.

۵- ابهام: با توجه به بندهای ۱۵ و ۱۶ تکلیف مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها بیش از ۵۵۰ میلیون ریال و کمتر از یک میلیارد است، مشخص نیست که در چه درجه‌ای از مجازات‌های نقدی تعزیری قرار می‌گیرد و از این نظر واجد ابهام است.

۶- ایراد حقوقی: با توجه به ایراد پیش‌گفته در بند(۱۶) به نظر می‌رسد عبارت «جزای نقدی درجه ۲» سهو قلم بوده و عبارت «جزای نقدی درجه یک» صحیح است که منطبق با تقسیم‌بندی جرایم تعزیری در ماده(۱۹) این لایحه می‌باشد.
ماده(۲۱۶):

- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به انحصار حق وضع آیین‌نامه به هیأت دولت و وزراء، واگذاری این حق به رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

ضمن اینکه اگر تعیین نحوه اجرای حدود، قصاص و تعزیرات واجد وصف تقنین باشد، مغایر با اصل ۸۵ قانون خواهد بود.

کتاب دوم: حدود

بخش اول: مواد عمومی

ماده (۲۲۰):

- ایراد نگارشی: در صدر ماده ضروری است پس از عبارت «میزان حدود شرعی» لفظ «را» اضافه

شود.

ماده (۲۲۱):

- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اینکه منطوق و مفهوم اصل ۱۶۷ دلالت بر تکلیف قاضی بر یافتن حکم دعوا در مواردی دارد که قانون مدونی موجود نباشد و این مسئله را رافع مسئولیت قانونگذار در حال حاضر که مقام تدوین تقنین و احضاء جرایم و مجازات‌ها وفق اصل ۳۶ می‌باشد، نیست. فلذا این ماده مغایر با اصل ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی است.

این ماده در واقع دست قاضی را در اجرای مجازات و تعیین آن باز گذاشته است.

* نکته مهم آن که در این لایحه حد رجم برای زنا در حال احصان حذف شده که محل تأمل

شرعی است.

ماده (۲۲۲):

۱- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به ایراد ناظر بر ماده قبل و وجود همان ایراد در این ماده مبیناً بر ایراد قبل این ماده در تغایر با اصل ۱۶۷ است؛ چرا که بر اساس این ماده فتاوی معتبر را منحصر به فتاوی رهبری و افراد مورد تفویض وی کرده است.

۲- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اصل ۳۶ تنها به موجب قانون می‌توان حکم به مجازات

داد که این ماده به خلاف این اصل، حکم به مجازات بر اساس استفتاء را تجویز کرده است.

بخش دوم: جرایم موجب حد

فصل اول: زنا

ماده (۲۲۶):

۱- ابهام: با توجه به اینکه در حدود، مجازاتی تحت عنوان اعدام وجود ندارد، بلکه «حد قتل»

وجود دارد، این ماده (صدر ماده) واجد ابهام است.

۲- **ابهام:** با توجه به اینکه «حد رجم» از این لایحه حذف شده است، ارجاع به «سایر احکام زنا» موجد ابهام است. (تبصره (۱))

۳- **ابهام:** با توجه به بند (۴) حکم موردی که اکراه کننده زن باشد، بیان نشده و از این نظر واجد ابهام است.

۴- **ابهام:** عدم تبیین «سایر احکام زنا» (اعم از حکم رجم و شرایط احصان) موجد ابهام است.

۵- **ایراد حقوقی و تأمل شرعی:** در تبصره (۲) صرف ربایش زن، نمی‌تواند مصداقی از زنا در حکم عنف باشد، چرا که ممکن است زن ربوده شده با رضایت مبادرت به زنا کرده باشد.

۶- **ابهام:** تبصره (۲) نسبت به حکم زنا با مرد در حال بیهوشی و خواب ساکت است و از این نظر واجد ابهام است.
ماده (۲۲۹):

- **ابهام:** با توجه به حذف مقررات مربوط به شرایط احصان در این لایحه، عبارت «غیرمحسن» از حیث مفهوم و مصداق واجد ابهام است. (در تبصره ۲ ماده ۲۳۴ احصان مرد تعریف شده است که شامل احصان زن نمی‌شود)
ماده (۲۳۰):

ایراد نگارشی: در انتهای ماده، لفظ «مجازات» باید به عبارت «مجازات مقرر» تبدیل شود.

فصل دوم: لواط، تفخیز و مساحقه

ماده (۲۳۴):

۱- **ایراد حقوقی:** در صدر ماده و در تبصره یک مجازات جرم لواط «اعدام» تعیین کرده است در حالی که در منابع شرعی، «حد قتل» تعیین شده است.

۲- **تأمل شرعی و ایراد حقوقی:** در انتهای صدر ماده اطلاق «در هر صورت» شامل مواردی که مفعول به اکراه مورد لواط واقع شده است نیز می‌گردد، که از این نظر مغایر با موازین فقهی است.
ماده (۲۳۶):

۱- تأمل شرعی و ایراد حقوقی: تعیین مجازات حد تفخیز برای مفعولِ موردِ اکراه، دارای ایراد شرعی و حقوقی است.

۲- تأمل شرعی و ایراد حقوقی: در تبصره از «حد اعدام» نام برده شده که صحیح آن «حد قتل» است. ماده (۲۳۷):

- ابهام: با توجه به تعیین صد ضربه شلاق برای تکرار جرم (در انتهای ماده) مشخص نیست که مجازات مزبور، مجازات حدی است و یا تعزیری که از این حیث و آثار احتمالی مترتب بر آن واجد ابهام است.

ماده (۲۳۸):

- ایراد حقوقی: با توجه به انحصار موارد مورد نظر این ماده (همجنس‌بازی در غیر از لواط و تفخیز) نام بردن از عنوان «همجنس‌گرایی» فاقد توجیه است.

ضمن اینکه «همجنس‌گرایی» عنوانی است که بیانگر یک نوع گرایش درونی در فرد است و نه یک رفتار، فلذا صحیحتر آن است که از عنوان «همجنس‌بازی» که دلالت بر یک رفتار دارد استفاده شود.

ماده (۲۴۱):

- تأمل شرعی و ایراد حقوقی: اطلاق انتهای ماده در صورتی که شامل مفعولی که به عنف مورد تعدی و جرم مساحقه قرار گرفته و مجازات حد مساحقه را بر آن جاری دانسته است، محل تأمل شرعی است.

ماده (۳۴۲):

۱- ابهام: با توجه به عدم تعریف جرایم «منافی عفت» این ابهام وجود دارد که آیا قوادی در ذیل آن قرار می‌گیرد یا خیر؟ همچنین است در مورد جرم قذف. آیا روابط نامشروع غیر از زنا و لواط و مساحقه نیز در ذیل شمول این ماده است.

۲- ابهام و ایراد حقوقی: عبارت «جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار» از حیث مصداق واجد ابهام است؛ بعلاوه موجب بازگذاشتن دست ضابطان در غیر از موارد مذکور است.

ماده (۲۴۵):

۱- ایراد نگارشی: ضروری است عبارت «۷۴ شلاق» به «۷۴ ضربه شلاق» تبدیل و اصلاح شود.
 ۲- ایراد حقوقی: با توجه به آنکه قانونگذار نسبت به افراد نابالغ و حمایت از آنها تکلیف بیشتری داشته و موظف است از آنها در برابر انسانهای بالغی که موجبات انحراف اخلاقی را فراهم می‌آورند حمایت نماید، تعیین مجازات خفیف تعزیری درجه ۶ فاقد توجیه است.

ماده (۲۴۷):

- ایراد نگارشی: ضروری است که در صدر ماده پس از کلمه «آگاه» فعل «بوده» اضافه گردد.

ماده (۲۵۲):

- ابهام: شرط معین بودن برای قذف‌شونده، دارای ابهام است و مشخص نیست اگر کسی بگوید «همه دانشجویان فلان دانشگاه زناکار هستند» واجد این شرط است یا خیر.

ماده (۲۵۴):

- ایراد نگارشی: عبارت «مجازات تعزیری مقرر در توهین» از نظر نگارش واجد ایراد است و بهتر است از عبارت «مجازات تعزیری مقرر برای جرم توهین» استفاده شود.

ماده (۲۶۰):

- ایراد حقوقی: موضوعیت دادن به عبارت «آن چه گفته‌ام حق بود» و منحصر کردن به الفاظ آن واجد ایراد است، چرا که شامل تمام موارد مشابه که دلالت بر مفهوم این عبارت بکند، نمی‌گردد، که از این حیث دارای ایراد است.

ماده (۲۶۴):

- ایراد حقوقی: مجازات حد سباب‌النبی، قتل است و نه اعدام.

فصل ششم: مصرف مسکر

ماده (۲۶۶):

۱- ابهام: عدم تعریف «مسکر» در این ماده موجد ابهام است و ضروری است تعریفی از آن ارائه شود.

۲- ابهام: در بند (۷) عبارت «چهار و نیم نخود طلای مسکوک» از آنجا که امروزه وجود خارجی

ندارد و برای عمومی مردم غیرقابل فهم است، دارای ابهام است.

مناسب است در این خصوص با معیارهای مناسب با شرایط روز استفاده شود و مشخص گردد که آیا منظور از طلای مسکوک، سکه بهار آزادی است یا خیر؟ و یا معیار سکه چقدر است.
ماده (۲۸۰):

۱- ایراد حقوقی: در بند(د) «حد اعدام» به «حد قتل» تبدیل شود.

۲- مغایرت با قانون اساسی: بر اساس بند(۱۱) اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو و تخفیف مجازات محکومان «پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه» بر عهده رهبر است و بدون طی این روند (آن گونه که در تبصره (۲) تبیین شده است) به هر گونه تخفیف و عفو، مغایر با قانون اساسی است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: در حالی که اصل ۳۶ حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون دانسته است، تبصره (۲) اختیار تعیین مجازات را بر عهده ولی امر نهاده است.

فصل هشتم: محاربه

ماده (۲۸۱):

۱- تأمل شرعی: با توجه به اینکه تعریف محاربه در این ماده علاوه بر «قصد ارباب مردم» به «قصد جان، مال یا ناموس مردم» نیز تسری یافته است، به نظر می‌رسد مغایر با تعریف مشهور فقهی «تشهیر السلاح لإخافه الناس» و توسعه شمول آن است. بعلاوه صدر ماده نیز از نظر نگارشی واجد ایراد است.

۲- تأمل شرعی: در موازین شرعی، معیار تحقق محاربه «اخافه الناس» و «سلب امنیت» در آن موضوعیت ندارد.

ماده (۲۸۳):

۱- ایراد تعارض و تأمل شرعی: با توجه به اینکه در تعریف محارب «قصد ارباب مردم» شرط است، عدم اشتراط آن در خصوص سارقان و راهزنان و قاچاقچیان محل تأمل بوده و در تعارض با تعریف ماده (۲۸۱) است.

۲- ابهام: با توجه به عدم تعریف «راهزن» در مقررات کیفری، این عبارت واجد ابهام است.
ماده (۲۸۴):

۱- ایراد حقوقی: «حد اعدام» به «حد قتل» تبدیل شود.

۲- ابهام: عدم تعریف مجازات «صلب» موجب ابهام است.
ماده (۲۸۵):

- ابهام: عبارت «رعایت تناسب» از آن جهت که اعم از رعایت تناسب با شخصیت نوع جرم یا نتیجه جرم است و مشخص نیست که کدام یک مورد نظر بوده است، که از این نظر دارای ابهام است.
ماده (۲۸۷):

- ابهام: عبارت «تحت مراقبت»، «عدم معاشرت»، «عدم مراوده» و «عدم رفت و آمد» از حیث تعریف و دایره شمول واجد ابهام است و ضروری است که تبیین و تعریف شود. معلوم نیست معاشرت و مراوده با همسر شرعی نیز مشمول آن می‌شود یا خیر؟ معلوم نیست زندانی کردن محکوم کفایت از اجرای آن می‌کند یا خیر؟

فصل نهم: بغی و افساد فی الارض

ماده (۲۸۸):

۱- ابهام: این ماده به طور کلی دارای ابهامات و ایرادات حقوقی متعددی است. استفاده از عبارت «به طور گسترده»، «اخلال شدید»، «خسارت عمده» و «در حد وسیع» که دارای مفهوم مشخص و معینی نیستند کل ماده را دچار ابهام کرده است.

۲- ابهام: همین ایراد فوق بر تبصره ماده نیز وارد است.

۳- ایراد تعارض: در حالی که در صدر ماده قصد مرتکب شرط نشده و تنها نتیجه حاصل از جرایم مورد توجه قرار گرفته است، در تبصره وجود قصد به عنوان شرط تحقق جرم به عنوان پیش فرض مطرح شده و در صورت عدم وجود قصد، مجازات تعزیری پیش‌بینی نموده است.
(حقیقت آن است که در جرم افساد فی الارض، نتیجه مهم است و نه قصد صرف، و از جمله جرایم مقید است.)

۴- ایراد حقوقی: حد مفسد فی الارض، قتل است و نه اعدام.

ماده (۲۸۹):

۱- ابهام: «اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» از نظر تعریف و مصداق واجد ابهام است. و

مشخص نیست اساس نظام چیست؟

۲- ابهام: «مبنای نظریه سیاسی» از نظر تعریف و مصداق موجد ابهام است.

کتاب سوم: قصاص

بخش اول: مواد عمومی

فصل اول: اقسام و تعاریف جنایات

ماده (۲۹۲):

۱- ایراد نگارشی و ابهام: نحوه نگارش بند (۲) و تبصره یک به گونه‌ای است که کشف مراد قانونگذار به سختی قابل درک و موجد ابهام است، به نحوی که در خصوص بار اثبات هر یک از حالات مورد نظر، ابهام وجود دارد.

۲- ایراد تعارض: در تبصره ۳، از آنجا که احراز قصد مرتکب برای ارتکاب جنایت را به طور کلی لازم دانسته و بدون احراز آن، جنایت عمدی را غیرقابل تحقق اعلام کرده است، در تعارض با بند (۲) و تبصره یک این ماده است؛ چرا که بند مزبور در مقام توصیف مواردی است که قصد مرتکب احراز نگردیده، لکن به جهت وجود برخی شرایط رفتار مرتکب را در حکم عمدی قلمداد کرده‌اند.

فلذا، تبصره (۳) در تعارض با بند (۲) و تبصره یک ماده است.

ماده (۲۹۷):

- ایراد نگارشی: اولین «را» و «کاما» (،) بعد از آن زائد است.

فصل دوم: تداخل جنایات

ماده (۲۹۸):

- ایراد شکلی: این ماده، هیچ ارتباطی به موضوع تداخل جنایات ندارد، چرا که تنها یک جنایت را مورد توجه قرار داده است. فلذا درج آن تحت عنوان این فصل، صحیح نیست.

فصل سوم: شرایط عمومی قصاص

ماده (۳۰۴):

۱- مغایرت با قانون اساسی: تبصره ماده فوق به صورت تلویحی اجازه قتل افراد با اعتقاد مهدورالدم بودن (به واسطه ارتکاب جرم حدی) را می‌دهد که این امر مغایر با اصول ۳۶ و ۱۵۶ قانون اساسی می‌باشد؛ چرا که مجوز قتل افراد بدون محاکمه را به اشخاص جامعه می‌دهد.

۲- ایراد حقوقی: با توجه به اینکه امکان ساقط شدن حد در صورتی که با اقرار ثابت شده است

(با توبه مرتکب) وجود دارد، دادن مجوز قتل افراد مرتکب حد موجب قتل مغایر با اصول حقوقی می‌باشد و این امکان را از افراد سلب می‌نماید.

ماده (۳۰۵):

۱- ایراد حقوقی: در ماده به فردی که شخصی را با اعتقاد به مهدورالدم بودن به قتل می‌رساند حق داده شده که ادعای خود را ثابت نماید و حال آنکه امکان دفاع برای مقتول وجود ندارد که این امر مغایر با اصول حقوقی بوده و به افراد مجوز قتل دیگران بدون محاکمه و ثبوت جرم در دادگاه صالح را می‌دهد.

۲- ابهام: اینکه آیا ماده شامل موردی که اعتقاد به محقون‌الدم نبودن مقتول تنها اعتقاد غلط شخص باشد و فرد تنها با معیار شخصی این تشخیص را داده باشد تنها موجب تعزیر و پرداخت دیه است و مانع قصاص می‌شود؟ یا صرفاً چنین اعتقادی در صورتی موجب سقوط قصاص است که از مصادیق مذکور در شرع یا قانون بوده باشد واجد ابهام است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: ماده به طور ضمنی مجوز قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن را داده است که به نظر می‌رسد مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی باشد.

همچنین از این لحاظ که اقامه محدود را بر خلاف اصل ۶۱ و بند (۴) اصل ۱۵۶ توسط افرادی بدون اجازه قوه قضائیه مجاز دانسته مغایر با اصول فوق می‌باشد.

ماده (۳۰۹):

- ایراد حقوقی و نگارشی و ابهام: با توجه عطف «مستی» «عدم تعادل روانی» به وسیله «واو» و لازم دانستن وجود هر دو برای نفی قصاص، موجب شده تا حکم مواردی که فرد دارای عدم تعادل روانی است، ولی مست نیست، مشخص نبوده و دارای ابهام باشد.

بر این اساس ضروری است تمام عطف‌ها میان این دو شرط، از «واو» به «یا» تبدیل شود.

ماده (۳۱۰):

- ایراد حقوقی و نگارشی: با توجه به اینکه از قسمت انتهایی ماده چنین برمی‌آید که هر یک از ولی دم، مجنی علیه یا ولی او می‌توانند در هر حال اقامه سوگند بکنند، ضروری است پیش از آنها عبارت «حسب مورد» اضافه شود تا در صورت وجود مجنی علیه بالغ، ولی دم حق اقامه سوگند

نداشته باشد.

ماده (۳۱۲):

۱- **ابهام:** با توجه به عدم تعریف ذمی بودن، مستأمن بودن و معاهد بودن، صدر و ذیل این ماده واجد و موجد ابهام است.

۲- **ابهام و ایراد حقوقی:** در تبصره (۱) با توجه به شرایط ذمه، غیرمسلمانی که تابعیت ایران داشته ولی غیرذمی نباشند، مصداق خارجی ندارد که از این حیث واجد ابهام است.

(لازم به یادآوری است که اهل کتاب که در خاک دارالاسلام هستند برای احراز شرایط ذمه، لازم است یا اقدام به پرداختن جزیه کرده و یا اقدام به فرستادن سرباز به جیش الاسلام نمایند).

ماده (۳۱۲):

۱- **ایراد نگارشی و ابهام:** با توجه به تکرارهای مکرر و نام بردن از مرتکب و مجنی علیه و استفاده متعدد از ضمیر به جای آنها، ابهامات متعددی در مرجع ضمیر پیدا شده که درک مفهوم ماده را با مشکل روبرو ساخته است.

به عنوان مثال ضروری است در عبارت «پیش از اسلام آوردن وی بوده است» به جای «وی» از کلمه «مجنی علیه» استفاده شود و الا، مرجع ضمیر به مرتکب بازمی‌گردد که موجب ابهام است.

۲- **ابهام:** در جمله ماقبل آخر، ضروری است قبل از عبارت «با سوگند ولی یا مجنی علیه یا ولی او» عبارت «حسب مورد» درج گردد، و الا موجب ابهام می‌گردد.

فصل چهارم: راه‌های اثبات جنایت

ماده (۳۲۰):

۱- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه صرف امتناع شاکی از اقامه قسم و یا مطالبه قسامه از متهم، موجب می‌شود تا فرد متهم ملزوم به توابع تأمین مناسب گردد، که از این نظر مغایر با اصل ۴۰ قانون اساسی و سوءاستفاده از حق خویش است.

۲- **مغایرت با قانون اساسی:** باز گذاشتن دست شاکی در اعمال حق خویش در هر زمان و مکان که می‌خواهد، مغایر با اصل ۳۷ و اصل برائت افراد است، چرا که هر زمان ممکن است فرد در

معروض اتهام قرار گیرد.

ماده (۳۲۷):

۱- ایراد تعارض: با توجه به اینکه در قسمت انتهایی ماده، امکان پرداخت سهم دیه به گروه اول (ردکنندگان قسامه به متهم که از حق قصاص خود صرفنظر کرده‌اند) پذیرفته شده و به رسمیت شناخته است، حال آنکه در صدر ماده، این گروه با رد قسامه از حق قصاص خود گذشته و آن را ساقط کرده‌اند، فلذا صاحب حق دانستن آنها از سهم دیه، در تعارض با صدر ماده است.

۲- ابهام: این ماده تنها در خصوص قصاص موضع‌گیری کرده و در خصوص مطالبه دیه در موارد غیرعمد، سکوت کرده است که از این لحاظ (به دلیل شخصی نبودن حکم) واجد ابهام است.

ماده (۳۲۸):

- ایراد حقوقی و تناقض: این ماده، فرض بسیار نادری را مطرح کرده که تنها فایده مترتب بر آن این است که راه برای سوء استفاده برخی برای ایراد اتهام و اطلاع دادرسی باز شود. جالب آنکه در صدر ماده از قسم یاد کردن مبنی بر عدم علم متهم به ارتکاب جنایت از سوی او یاد شده، و در عین حال در ذیل ماده، از قسم در مورد اصل جرم سخن به میان آمده است. تناقض آنجاست که وقتی متهم حاضر به قسم خوردن در مورد عدم علم به ارتکاب جنایت نشده است، مطالبه قسم برای اصل ارتکاب جنایت، چه اثری دارد؟! در حقیقت، ماده دارای دور است.

ماده (۳۲۹):

- ایراد نگارشی: ضروری است عبارت «اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است» به عبارت «اقامه یک قسامه برای اثبات ادعای همه آنها کفایت می‌کند» تغییر یابد.

ماده (۳۳۵):

۱- ایراد نگارشی: از نظر نگارشی، ضروری است به جای عبارت «برخی نکنند»، از عبارت «برخی یاد نکنند» استفاده نشود.

۲- ایراد حقوقی: افتادن مسئولیت پرداخت به عهده بیت‌المال فاقد توجیه است و این مسأله راه را برای سوء استفاده‌کنندگان و تبانی‌کنندگان باز می‌کند.

ماده (۳۲۶):

- ایراد نگارشی: در انتهای ماده، کلمه «پرداخت» زائد است و محل به عبارت است.

ماده (۳۳۷):

- ایراد حقوقی: در انتهای ماده در حالی حکم مربوط به پرداخت دیه به جانیان از سوی شاکی

داده شده که در صدر ماده به آن اشاره نشده است.

در مثال ذکر شده حکم پرداخت دیه بیان شده، حال آنکه در صدر ماده حکم قضیه بیان نشده

است و تنها به مثال اکتفاء شده است که از این حیث واجد ایراد است.

ماده (۳۴۵):

- ابهام: لفظ توریه و معنای آن دارای ابهام است.

ماده (۳۴۷):

- ایراد شکلی: با توجه به اینکه حکم این ماده در ماده (۳۲۱) همین لایحه بیان شده، چون این ماده

زائد به نظر می‌رسد.

فصل پنجم: صاحب حق قصاص

ماده (۳۵۶):

۱- ایراد تأمل شرعی و حقوقی: با توجه به اینکه این فرض پذیرفته شده که تا زمان افاقه و یا

بلوغ طفل، می‌توان اجرای مجازات قصاص را به تعویق انداخت و در این مدت، بر اساس مقررات

آیین دادرسی کیفری متهم در بازداشت و حبس نگهداری می‌شود. علیهذا، این حکم مستلزم مجازات

مضاعف بر مرتکب (هم حبس و هم قصاص) است، که از این نظر واجد تأمل شرعی و ایراد حقوقی

است.

۲- ایراد حقوقی: عبارت انتهایی ماده، به جهت آنکه مقررات این ماده را به زمان پیش از تصویب

این لایحه تسری داده است، مغایر اصل عطف بماسبق نشدن مقررات کیفری است.

ماده (۳۵۷):

- ایراد شکلی: این ماده در واقع تبصره‌ای است بر ماده قبل، تدوین آن به شکل مستقل محل ایراد

است.

ماده (۳۵۸):

- ایراد نگارشی: عبارت «ولی او ولی امر مسلمین است» دارای جابجایی مبتدا و خبر است که از این جهت دال بر این معنا است که «هرکس ولیّ چنین فردی شود، ولیّ امر مسلمین نیز خواهد بود!» و از این جهت موجب وهن قانون است. علیهذا ضروری است عبارت مزبور به «ولیّ امر، ولیّ اوست» تغییر یابد.

ماده (۳۶۲):

۱- تأمل شرعی: اصل در قتل عمدی قصاص است و نمی‌توان بدون رضایت و مصالحه با وی هیچ مجازات دیگری - همچون دیه - بر وی اعمال کرد، فلذا الزام وی به پرداخت دیه آن هم بدون رضایت وی، مغایر با موازین شرعی است.

۲- ایراد تعارض: عدم پذیرش مصالحه بر مال به جای اجرای قصاص، در تعارض با ماده (۳۰۲) همین لایحه است.

ماده (۳۶۳):

۱- تأمل شرعی: اطلاق «امر دیگری» و توالی فاسد مترتب بر آن موجب جواز مشروط کردن گذشت به هر امر شرعی و یا غیرشرعی و یا مغایر با کرامت انسانی می‌گردد که از این نظر مغایر موازین شرعی است.

۲- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به اطلاق «امر دیگری» و عدم تعیین ضابطه و حدود معین برای «شرط» که اعم از مشروع و غیرمشروع، ممکن و غیرممکن است، علاوه بر ابهام آن، مغایر با بند (۶) اصل ۲ (کرامت و ارزش والای انسانی)، بند (۱۴) اصل ۳ (امنیت قضایی عادلانه)، اصل ۴۰ (سوءاستفاده از حق) و بند (۴) اصل ۴۳ (بهره‌کشی از کار دیگران) قانون اساسی است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: علاوه بر مورد فوق، تداوم وجود حق قصاص تا زمان حصول شرط، نیز مغایر با اصول فوق‌الذکر قانون اساسی است؛ چرا که در این صورت چنانچه، قصاص مشروط به امری باشد که ظرف ۵ سال حاصل می‌شود، لکن پیش از سرآمدن موعد، پس از ۴ سال صاحب حق می‌تواند اعمال حق کند و این مغایر با اصول قانون اساسی، مندرج در ایراد قبلی است.

۴- ایراد تعارض: بر اساس ماده (۱۰۰) همین لایحه، که منطبق با اصول حقوقی است، «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد» که ماده حاضر در تعارض با ماده (۱۰۰) است.

ماده (۳۶۴):

- مغایرت با قانون اساسی، ایراد شرعی و تعارض: همه ایرادات وارد بر ماده قبل، بر این ماده نیز وارد است.

بر اساس ماده (۱۰۰) این لایحه و اصول حقوقی، گذشت مشروط و معلق پذیرفتنی نیست حال آنکه در این ماده پذیرفته شده است.

ماده (۳۶۷):

- ایراد حقوقی: با توجه به عدم استقرار حق قصاص تا قبل از تحقق مرگ مجنی علیه، نمی توان صحبت از گذشت به میان آورد، چرا که به نوعی «ابراء و اسقاط مالم یجب» است.

فصل ششم: شرکت در جنایت

ماده (۳۷۳)

- ابهام، تعارض و ایراد حقوقی: با توجه به قسمت انتهایی ماده که نسبت به مرتکب اول، قصاص را پذیرفته است، به نظر می رسد این ماده نسبت به شبه عمد یا خطای محض بودن و یا عدم امکان قصاص عضو نسبت به مرتکب اول، واجد ابهام و دارای ایراد حقوقی است و در تعارض با مواد قبلی این فصل است. فلذا ضروری است «حسب مورد به قصاص عضو و یا دیه» به انتهای ماده اضافه شود.

ماده (۳۷۴):

۱- ابهام و ایراد حقوقی: ضروری است - مبنیاً بر ایراد ماده قبل - در سطر ۲ و ۳، عبارت «نفر اول قصاص می شود» به عبارت «نفر اول حسب مورد به قصاص و دیه محکوم می شود» اصلاح شود، تا مشتمل بر حالات مختلف از جمله حالتی که قصاص قابلیت اجرا نداشته باشد نیز شود.

۲- ابهام و ایراد حقوقی: نحوه نگارش جمله پایانی ماده که حکم ماده (قصاص) را به جنایات

غیرعمدی تسری داده است، دارای ابهام است، چرا که در ظاهر، عبارت مشعر به آن است که در خصوص جنایات غیرعمدی نیز حکم قصاص ساری و جاری خواهد بود.

ماده (۳۷۵):

- ایراد حقوقی و تعارض: اجبار و الزام شریک در جنایت عمد به پرداختن سهم دیه فاقد توجیه حقوقی است، زیرا بر اساس ماده (۳۶۱)، حکم اولیه جنایت عمدی قصاص است، مگر آنکه ولی دم گذشت کرده و یا بر دیه مصالحه نمایند. فلذا الزام شریک به پرداخت دیه بدون اخذ رضایت ولی مغایر با موازین شرعی و در تعارض با مواد همین لایحه است.

ماده (۳۷۶):

۱- ایراد نگارشی: در سطر ماقبل آخر، «کاما»ی (،) موجود در عبارت «خواهان قصاص، همه یا برخی از آنان» زائد بوده و مخل به معنای جمله است و ضروری است حذف شود.

۲- ایراد نگارشی: به طور کلی این ماده از نظر نگارشی دارای ایراد است به حدی که موجب ابهام گردیده است.

۳- مغایرت با قانون اساسی: از آنجا که وفق حکم حکومتی ولی امر (ماده ۲۹۷ - تبصره ۲ الحاقی قانون مجازات اسلامی) دیه اقلیت‌های دینی مساوی با مسلمانان تعیین گردیده و در ماده (۵۵۹) همین لایحه نیز مورد تصریح قرار گرفته، تصریح به عدم تساوی دیه غیرمسلمانان با مسلمانان به عنوان مصداقی از عدم تساوی دیه (که به عنوان مثال مطرح شده)، مغایر با اصول ۵، ۵۷ و ۱۱۲ قانون اساسی است.

فصل هفتم: اکراه در جنایت

ماده (۳۷۸):

- ابهام: با توجه به آثار متفاوت بر نوع مجازات (تعزیر، حد، قصاص و...) عدم تعیین نوع مجازات حبس ابد مقرر در این ماده، خصوصاً با حق اولیاء دم قرار دادن آن، موجب ابهام است. چرا که مشخص نیست این مجازات قابل تخفیف از سوی قاضی، آزادی مشروط، عفو یا تخفیف رهبری و... هست یا خیر؟

بخش دوم: قصاص نفس

ماده (۳۸۳):

۱- ایراد نگارشی: جهت جلوگیری از ابهام احتمالی، ضروری است عبارت «مقرر در کتاب چهارم این قانون» پس از عبارت «دیه» درج گردد.

ماده (۳۸۴):

۱- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به عدم تساوی دیه مسلمان و غیرمسلمان، ایراد وارد بر ماده (۳۷۶) همین لایحه، بر این ماده نیز وارد است.

۲- تعارض: با توجه به ماده (۴۳۰)، تبصره این ماده در تعارض با ماده (۴۳۰) است که ضروری است این تبصره حذف شود.

ماده (۳۸۶):

۱- تعارض و ایراد حقوقی: در حالی که در ماده تصریح شده «بدون موافقت قاتل، حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند»، لکن در انتهای ماده بیان شده که «دیه مقتولان دیگر از اموال قاتل (...) پرداخت می شود».

بخش سوم: قصاص عفو

فصل اول: موجب قصاص عفو

ماده (۳۸۸):

۱- ایراد نگارشی: ایراد مذکور در ماده (۳۸۳) در خصوص این ماده نیز وجود دارد.

۲- ابهام: ماده از این حیث که حق قصاص را هم برای مجنی علیه و هم برای ولی او به رسمیت شناخته است دارای اشکال و ابهام می باشد. حق قصاص عضو، حق مجنی علیه است و در صورت عدم وجود شرایط در مجنی علیه (فوت، جنون، صغر و...) این حق به اولیاء دم می رسد، لذا برای رفع ابهام باید عبارت «حسب مورد» اضافه گردد.

ماده (۳۹۰):

- مغایرت با قانون اساسی: با توجه به عدم تساوی دیهٔ مسلمان و غیرمسلمان ایراد وارد بر ماده (۳۷۶) همین لایحه، بر این ماده نیز وارد است.

مواد (۳۹۳) و (۳۹۴):

- ایراد نگارشی: ایراد مذکور در ماده (۳۸۳) در خصوص این ماده نیز وجود دارد.

فصل دوم: شرایط قصاص عضو

ماده (۴۰۰):

- ایراد نگارشی: حرف «و» در قسمت اخیر ماده مابین دو کلمه نقصان و عدم سلامت بایستی

تبدیل به حرف «یا» گردد.

ماده (۴۱۰):

- ایراد نگارشی: باید در انتهای ماده عبارت «و شنوایی» به عبارت «یا شنوایی» تغییر یابد.

ماده (۴۱۴):

- تأمل شرعی و تعارض: چنانچه دندان صدق عنوان استخوان بکند، بر اساس ضوابط فقهی و

ماده (۴۰۳) همین لایحه، شکستن دندان قابل قصاص نخواهد بود، فلذا این ماده در تعارض با مواد لایحه و از نظر شرعی قابل تأمل است.

ماده (۴۱۵):

۱- ایراد نگارشی و ابهام: در عبارت «ارش جراحی و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده

است» با توجه به اینکه نمی‌توان برای «مدت»، «ارش» تصور کرد، عبارت دارای ایراد نگارشی موجد ابهام است. ضروری است عبارت به این شکل اصلاح شود: «ارش جراحی و منفعت مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است...».

۲- ابهام: عبارت «اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند» در انتهای ماده موجد ابهام است و

ضروری است مشخص شود که علت مرگ در اینجا امری غیر از کندن دندان بوده است.

بخش چهارم: اجرای قصاص

فصل اول: مواد عمومی

ماده (۴۳۰):

- **تعارض و ابهام:** با توجه به مقید شدن پرداخت فاضل دیه از سوی بیت‌المال، به شرایطی همچون بر هم زدن نظم عمومی، جریحه‌دار شدن احساسات عمومی و لزوم درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه قضائیه، این ماده در تعارض با تبصره ماده (۳۸۴) و در عمل موجب ابهام است. که ضروری است تبصره ماده (۳۸۴) مطابق با این ماده اصلاح شده و یا حذف گردد.

ماده (۴۳۱):

۱- **ایراد حقوقی:** سپردن تشخیص و تعیین «مدت مناسبی» به قاضی، موجب بسط ید غیرمعمول قضات خواهد شد و موجبات عدم وحدت رویه می‌گردد. فلذا ضروری است جهت یکسان شدن شرایط، قانونگذار مهلت‌های مقرر در این ماده را تعیین کرده و وحدت‌رویه محاکم را فراهم آورد.

۲- **تعارض:** قید «و یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه» در صدر ماده، قابل جمع با تبصره ماده (۳۸۴) نیست، چرا که در آنجا مقرر شده در صورت عدم توانایی، بیت‌المال متعهد به پرداخت خواهد شد.

۳- **ابهام، ایراد حقوقی و تأمل شرعی:** در قسمت انتهایی ماده، عبارت «گذشتن مدت زمان آن» دارای ابهام است و معلوم نیست منظور آن مدت زمان اجرای تعزیرات و یا امر دیگری مورد نظر بوده است. در صورت معنای اول (اجرای تعزیر)، موجب مجازات مضاعف خواهد بود، چرا که حق قصاص همچنان برای صاحب حق برقرار است و مرتکب علاوه بر تعزیر، ممکن است در نهایت قصاص گردد که از این نظر مغایر شرع و موازین حقوقی است.

ماده (۴۳۴):

- **ایراد حقوقی:** حق قصاص متعلق به اولیاء دم است و حق دارند هر نوع مصلحت می‌دانند از این حق استفاده کرده و اقدام به گذشت معوض و یا بلاعوض نمایند؛ چه ترکه مقتول کفایت دیون وی را بنماید، چه ننماید. فلذا نمی‌توان در هیچ حالتی این حق را از اولیاء دم سلب کرده و یا آنرا محدود نمود.

ماده (۴۳۷):

۱- **ایراد حقوقی:** از آنجا که پرداخت دیه از جانب عاقله جنبه استثنایی دارد که در موارد خطای

محض پرداخت می‌گردد، لذا اخذ به قدر متیقن در آن حکم می‌کند که از تسری به سایر موارد مشکوک اجتناب شود در صورتی که در این ماده پرداخت دیه توسط عاقله در خصوص جنایات عمد پیش‌بینی شده است.

۲- **ابهام:** در حالی که در صدر ماده تأکید شده که این ماده اعم از جنایت بر نفس و جنایت بر عضو است، در وسط ماده، حکم جنایت بر نفس (در خصوص قتل) بیان شده و حکم جنایت بر عضو بیان نشده است، که از این حیث دارای ابهام است.

۳- **ایراد نگارشی:** از آنجا که «فقر» اصطلاحی حقوقی نیست بهتر است برای یکسان‌سازی در متون قانونی مختلف از عبارت «عدم تمکن مالی» استفاده گردد.

فصل دوم: اجرای قصاص نفس

ماده (۴۳۸):

- ایراد نگارشی: ایراد مذکور در ماده (۳۸۳) در این ماده نیز وجود دارد.

ماده (۴۴۰):

- ایراد حقوقی: عبارت «مدت مناسبی» در این ماده، دارای همان ایراد حقوقی وارد بر ماده (۴۳۱) همین لایحه است.

فصل سوم: اجرای قصاص عضو

ماده (۴۴۲):

۱- **ابهام:** با توجه به اینکه در صدر ماده، تأکید شده که سرایت می‌تواند اعم از سرایت به نفس و یا سرایت به عضو باشد، صرف بیان حکم قصاص نفس در سطر پنجم (لکن پیش از اجرای قصاص نفس) موجب ابهام در حکم سرایت به عضو گردیده که ضروری است «نفس» از این عبارت حذف گردد.

۲- ایراد شکلی: با وجود ماده (۳۰۲) این لایحه، این ماده زائد به نظر می‌رسد.

کتاب چهارم: دیات

بخش اول: مواد عمومی

فصل اول: تعریف دیه و موارد آن

فصل دوم: ضمان دیه

ماده (۴۵۵):

– ابهام: «احکام و آثار مسئولیت مدنی» دارای ابهام است و مشخص نیست که کدام حکم و اثر در مسئولیت مدنی مورد نظر بوده و آیا خسارت معنوی نیز در خصوص دیه مطرح است یا خیر.

فصل سوم: راه‌های اثبات دیه

ماده (۴۵۹):

– ایراد شکلی (قانون نویسی): با توجه به اینکه این ماده رده‌های اثبات قتل را بیان می‌کند، مربوط به این فصل – که راجع به دیه است – نمی‌باشد و باید در فصل مربوطه درج گردد. (بطور مثال در ادامه ماده ۳۳۸)

ماده (۴۶۳):

۱- مغایرت با قانون اساسی: قید «عدم دسترسی به کارشناس» با توجه به امکانات فعلی قوه قضائیه، قیدی زائد است و مغایر با اصل ۱۵۶ قانون اساسی (تحقق عدالت قضایی) و بند (۱۴) اصل ۳ قانون اساسی (امنیت قضایی عادلانه) است.

۲- مغایرت با قانون اساسی و ایراد حقوقی: بر اساس ضوابط آیین دادرسی کیفری (مواد ۸۸ و...) تحصیل نظر کارشناس و لحاظ آن در حکم لازم است. بر این اساس، عدم استفاده از نظر کارشناس و حکم کردن به مدلول ماده، مغایر با اصل ۱۶۷ قانون اساسی (لزوم مستدل و مستند بودن رأی قاضی) است.

۳- ابهام: اضافه کردن قید «حسب مورد» در صدر ماده، قبل از «مجنی علیه یا ولی او» ضروری است، چرا که صاحب حق بودن آنان به نحو ترتیب است و نه به نحو تخییر و عدم ذکر آن موجب ابهام می‌باشد.

ماده (۴۶۴):

– ابهام: در صدر ماده و ذیل آن، ضروری است پس از عبارتهای «مجنی علیه یا ولی او»، عبارت «حسب مورد» اضافه شود؛ چرا که صاحب حق بودن آن به نحو ترتیب است و نه به نحو تخییر و

عدم ذکر آن موجب ابهام است.

فصل چهارم: مسئول پرداخت دیه

ماده (۴۶۸):

۱- ایراد حقوقی و تأمل شرعی: برتری دادن قول عاقله بر قول مرتکب، در مواردی که عاقله اظهار

بی‌اطلاعی از نوع جنایت می‌نماید، فاقد توجیه حقوقی و محل تأمل شرعی است.

ماده (۴۷۱):

۱- ابهام: در این ماده مشخص نشده است که مسئول پرداخت دیه در مواردی که کمتر از موضحه

است چه کسی است؟

ماده (۴۷۳):

۱- ابهام: مشخص نیست قید «در حین مواعد پرداخت اقساط دیه» تنها ناظر به تمکن مالی است و

یا شامل بلوغ و عقل نیز می‌گردد؛ که از این نظر موجد ابهام است.

ماده (۴۷۵):

۱- ایراد نگارشی و ابهام: عبارت «که در ایران زندگی می‌کنند» زائد است و مخلاً معنا است و

مشخص نیست اگر محل اقامتگاه وی در خارج از کشور باشد، حکم قضیه چیست و قید بلاوجه به

نظر می‌رسد که در عمل موجب ابهام می‌گردد.

۲- ابهام: «مهلت مناسب» و دایره آن مشخص نیست.

ماده (۴۷۸):

۱- ابهام: در تبصره عبارت «هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است» به جهت اطلاق آن،

موجد ابهام است؛ چرا که شامل همه مکان‌هایی که ورود به آنها به هر نحو، هر شخصی اعم از

حقیقی یا حقوقی، دولتی یا خصوصی، نظامی یا غیرنظامی، ذیصلاح یا غیرذیصلاح و... ممنوع گردیده

و ورود به آنها موجب هدر شدن خون فرد می‌گردد.

۲- ایراد نگارشی: عبارت «هدف قرار گیرد» از نظر نگارشی، نامناسب است و ضروری است

اصلاح گردد.

ماده (۴۷۹):

۱- ابهام و تأمل شرعی: اطلاق عبارت «و مانند آن» از آنجا که شامل مواردی که خارج از اراده

جانی است و مرگ طبیعی می‌گردد، موجد ابهام است و صحیح نیست و محل تأمل شرعی است.

۲- تأمل شرعی: مسئول دانستن عاقله در پرداخت دیه، در قتل عمدی و شبه‌عمدی محل تأمل

است و به نظر مغایر موازین شرعی است.

ماده (۴۸۲):

۱- ایراد حقوقی و تأمل شرعی: در تبصرهٔ یک، به جهت آنکه متهمان اقامهٔ قسامه و یا سوگند

کرده و اتهام را از خود دفع کرده‌اند، مسئول دانستن آنها به پرداخت دیه به طور مساوی، در تعارض با اصول حقوقی و محل تأمل شرعی است.

۲- ابهام: در تبصرهٔ (۲)، ضروری است قبل از «مجنی علیه یا اولیاء دم» عبارت «حسب مورد»

اضافه شود و فقدان آن موجب ابهام می‌گردد.

۳- ابهام: در عبارت «اخذ دیه از آنها» اینکه آیا ولی دم حق گرفتن دیه از هر دو متهم را دارد یا

خیر، محل ابهام است.

ماده (۴۸۶):

۱- ایراد حقوقی: با توجه به عبارت «مرتکب به علم اجمالی مشخص شده» هنگامی که با اجرای

قسامه، ارتکاب جرم از سوی یکی از افراد مشکوک (اطراف علم اجمالی) مشخص می‌شود و دیگر علم اجمالی به علم تفصیلی تبدیل شده است. فلذا، این عبارت دارای ایراد حقوقی و اصولی است.

۲- ابهام: در صدر ماده، ضروری است عبارت «حسب مورد» به عبارت «مجنی علیه یا اولیای دم»

اضافه گردد. (تخیر نیست، ترتیب است.)

ماده (۴۹۱):

- تأمل شرعی و ایراد حقوقی: به جهت آنکه اطلاق این ماده شامل مواردی که حکم به قصاص،

ناشی از تزویر شهود قتل باشد نیز می‌شود، دارای ایراد حقوقی و محل تأمل شرعی است.

ماده (۴۹۳):

- ایراد نگارشی: عبارت «تراضی شده باشند» به «تراضی شده باشد» اصلاح شود.

ماده (۴۹۵):

- ایراد حقوقی: چنانچه «پرداخت دیه به صورت اقساطی» شامل اقساطی که از سوی دادگاه در

راستای اعسار محکوم علیه تعیین می‌گردد نیز بشود، در این صورت افراد محکوم علیه به پرداخت «قیمت زمان پرداخت» مغایر با فلسفه تقسیط و مصداق ظلم است.

ماده (۴۹۶):

- ابهام: قبل از «اولیاء دم یا مجنی علیه» عبارت «حسب مورد» ضروری است و فقدان آن موجب

ابهام است.

فصل ششم: موجبات ضمان

ماده (۵۰۰):

- ایراد نگارشی: در حالی که در صدر ماده از لفظ «پزشک» استفاده شده، در تبصره از کلمه

«طیب» بهره برده شده است که بهتر است از واژگان یکسان استفاده می‌گردید.

ماده (۵۰۳):

- ایراد حقوقی و تأمل شرعی: اطلاق مسئولیت انسان یا متصدی وسیله نقلیه که با عبارت «به

نحوی از انحاء» بیان شده، به جهت آنکه شامل مواردی که فرد حمل کننده تمام مقررات و احتیاطات

را مراعات کرده و در عین حال به دلیل تقصیر مجنی علیه، جنایت حادث شده باشد می‌گردد، مغایر با

موازن شرعی و حقوقی است.

ماده (۵۱۲):

- ایراد نگارشی: عبارت «عمداً با آن برخورد نماید» با مثال‌های صدر ماده (گودال و چیز لغزنده)

متناسب نیست.

ماده (۵۱۳):

- ابهام و مغایرت با قانون اساسی: عبارت «اغراء» علاوه بر آنکه از نظر معنای آن در زبان فارسی

واجد ابهام است، مغایر اصل ۱۵ قانون اساسی نیز می‌باشد.

ماده (۵۱۸):

- ایراد حقوقی و تعارض: از آنکه مورد ذکر شده در ماده، حداکثر مصادقی از مصادیق لوث

است، فلذا برای اثبات ضمان دیه و قصاص ضروری است تا قسامه اقامه گردد، در حالی که در این

ماده، با تخطی از اصول حقوق جزا و مواد همین لایحه در خصوص لوث، بدون اقامه قسامه، حکم

به ضمان دیه داده است.

ماده (۵۱۹):

۱- ایراد نگارشی: در قسمت انتهایی ماده، عبارت «مناسبی تری» ناصحیح است که باید به عبارت

«مناسب تر» و یا «مناسبی» تغییر یابد.

۲- ابهام: به کار بردن کلمه «دستگاهها» در تبصره (۲) این ماده، از آنجا که در مقررات اداری،

عنوانی به نام «دستگاه» نداریم مبهم است و لازم است به جای آن از «نهادهای و سازمانها» استفاده نماید.

ماده (۵۲۸):

- ایراد نگارشی: در قسمت انتهایی ماده عبارت «نسبت آسیب‌رسانی» به «نسبت به آسیب‌رسانی»

اصلاح شود.

ماده (۵۳۶):

- ایراد حقوقی: از آنجا که ابتدائاً تحقق ضمان منوط به احراز تقصیر است و ارتباطی به حرکت یا

عدم حرکت و شدت و ضعف آن ندارد، ضروری است این مسأله اصلاح شود و تأکید شود که در صورت تساوی طرفین در قصد و اراده (همانند آنکه هر دو طرف شبه عمد باشند، یا هر دو طرف خطای محض باشند) این حکم برقرار است.

ماده (۵۳۸):

۱- تعارض و ایراد حقوقی: حکم به تساوی ضمان در این ماده، با تبصره ماده (۵۳۳) همین لایحه

در تعارض است، چرا که بر طبق تبصره مزبور، در صورت اشتراک در جنایت، هر یک از شرکاء به نسبت سهم خویش در وقوع جنایت ضامن است و نه به نحو تساوی.

۲- تعارض و ایراد حقوقی: ضروری است بر اساس ماده (۵۴۱) همین لایحه میان عدوانی

(غیرمجاز) و غیرعدوانی بودن عمل هر یک از شرکاء تفکیک شود؛ و مساوی دانستن سهم شرکای عدوانی و غیرعدوانی با هم خلاف اصول حقوقی و در تعارض با ماده (۵۴۱) لایحه و موازین فقهی است.

ماده (۵۳۹):

- تعارض: اطلاق این ماده در تعارض با مواد ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶ و ۵۱۷ همین لایحه است، چرا که در مواد مذکور، ضمان تنها پس از حصول شرایطی چون عدم رعایت مقررات قانونی، عدم رعایت نکات ایمنی، عدم وجود قواعد و ضوابط احسان،... پذیرفته شده، لکن در این ماده به نحو مطلق ضمان پذیرفته گردیده است.

ماده (۵۴۰):

۱- ابهام: قسمت اخیر ماده به جهت آنکه منحصر به حالت عمد است و حکم حالتی که طرفین مرتکب تقصیر شده باشند (شبه عمد) را بیان نکرده که از این حیث دارای ابهام است.

۲- ایراد حقوقی: با توجه به اینکه هر دو سبب به نحو «غیرمجاز» اقدام کرده‌اند، ضامن دانستن تنها یکی از آنها فاقد توجیه حقوقی و ترجیح بلامرغ است و باید به نسبت سهم دخالت خود (حکم تبصره ۵۳۳) تعیین شود.

ماده (۵۴۱):

- ایراد حقوقی: در قسمت اخیر ماده، اطلاق ضمان سبب دوم محل ایراد است و با قسمت‌های قبلی مذکور در صدر ماده در تعارض است، چرا که حکم قسمت اخیر ماده در خصوص حالتی که سبب اول قاصد به جنایت است و سبب دوم دارای تقصیر (خطای جزایی) صحیح نیست و ضروری است سبب اول نیز ضامن دانسته شود.

فصل هفتم: تداخل و تعدد دیات

ماده (۵۵۱):

- ایراد نگارشی موجب ابهام: از آنجا که الفاظ «علت» و «سبب» به کار رفته در این ماده (که ظاهراً به یک معنا و مترادف هم به کار برده شده است) در فقه و حقوق (خصوصاً در بحث جنایات) هر کدام معنای خاصی دارد، لذا عدم دقت در به کار بردن این کلمات در متن قانون، صحیح به نظر نمی‌رسد.

ماده (۵۵۳):

- ایراد نگارشی و ابهام: حکم جمله دوم این ماده، اساساً هیچ ارتباطی با حکم جمله اول ماده

ندارد، لذا مقصود از جمله اخیر ماده، مواجهه با ابهام است. ضمن آنکه حکم قسمت دوم ماده، در مواد سابق لایحه (مواد ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸ و ۵۴۹) در صورت مختلف به تفکیک ذکر شده است. لذا ذکر قسمت دوم ماده، زائد و ابهام‌آفرین به نظر می‌رسد.

بخش دوم: مقادیر دیه

فصل اول: دیه نفس

ماده (۵۵۴):

- **ابهام:** عبارت «موارد دیه کامل» به نظر می‌رسد عبارتی نارسا و نامفهوم است که مقصود از آن برای مخاطبان قانون (عموم مردم) قابل فهم نیست و موجب ابهام است.

تبصره ماده (۵۵۶):

- **تأمل شرعی:** جبران خسارت مابقی دیه تا سقف دیه مرد هنگامی که مجنی علیه مرد نباشد از بیت‌المال، که در جهت برابر دانستن دیه زن و مرد مقرر گشته است، قابل بررسی فقهی و شرعی می‌باشد.

ماده (۵۵۸):

- **ایراد نگارشی موجب ابهام:** نحوه جمله‌بندی و نگارش ماده، به نحوی است که مفهوم واضح و روشنی را به خواننده منتقل نمی‌کند. از جمله: مرجع عبارت «در صورتی که فرزند و همسر نداشته باشد» چیست؟ آیا «وارث دیه» است یا «شخص متولد از زنا»؟

ماده (۵۵۹):

- **مغایرت با قانون اساسی:** با توجه به اینکه این ماده شامل اقلیت‌های دینی غیرمذکور در اصل ۱۳ قانون اساسی نمی‌گردد، مغایر با اصل ۱۴ قانون اساسی مبنی بر رعایت قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی غیرمسلمانان است. همچنین این مسأله (خارج کردن برخی غیرمسلمانان از این ماده) مغایر با بند (۹) اصل ۳ قانون اساسی است.

فصل دوم: قواعد عمومی دیه اعضاء

ماده (۵۶۷):

- ایراد نگارشی و ابهام: نحوه نگارش ماده به گونه‌ای است که فهم آن را برای مخاطبان عام قانون مشکل می‌سازد و ضروری است به صورت روان‌تری درآید.

ماده (۵۷۱):

- ایراد نگارشی: ضروری است جهت اصلاح مفهوم ماده، عبارت «از جهت دیگری معیوب گردد» به «از جهت دیگری معیوب باشد» تبدیل و اصلاح گردد.

ماده (۵۷۲):

- ایراد حقوقی: به نظر می‌رسد به جهت آنکه اطلاق این ماده نسبت به هر عمل مادی، شامل موارد شوخی و ضربه ناچیزی که دوستی به دوست خود روا می‌دارد نیز خواهد شد، اطلاق این ماده محل تأمل باشد.

ماده (۵۷۷):

- تعارض و ابهام: با توجه به اینکه در جریان شکستگی و خرد شدن نیز ممکن است تکه کوچکی از استخوان جدا گردد، فلذا به نظر می‌رسد این ماده در تعارض با بندهای (الف) و (ب) ماده (۵۷۴) این لایحه است.

فصل سوم: دیه مقدر اعضاء

مبحث اول: دیه مو

مواد (۵۸۸) و (۵۸۹):

- تعارض: در حالی که در ماده (۵۸۸) از بین رفتن موی بدن بر اثر از بین رفت عضو یا پوست و... مستوجب دو دیه دانسته شده، لکن در ماده (۵۸۹) این رفتار تنها مستوجب یک دیه دانسته شده است و از این جهت دو ماده با هم در تعارض هستند.

ماده (۵۹۴):

- تأمل شرعی: در حالی دیه چشمی که بینایی ندارد یک‌ششم دیه کامل مقرر شده، در ماده (۳۷۸) قانون مجازات اسلامی کنونی (که مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفت) برای همین موضوع یک‌سوم دیه کامل مقرر گردیده بود لذا محل تأمل شرعی است.

ماده (۵۹۵):

- تأمل شرعی: میزان دیه مقرر شده برای از بین بردن پلک‌ها در این ماده با دیه مقرر شده در

ماده (۳۷۹) قانون مجازات اسلامی کنونی (مورد تأیید شورای نگهبان) در تعارض است.

ماده (۵۹۸):

- ابهام: عبارت «فساد بینی» در کنار «از بین رفتن آن» موجب ابهام است و معلوم نیست منظور از وصف فساد برای بینی چیست. همچنین «از بین رفتن بینی» در کنار «بدون عیب و نقض اصلاح شود» نیز موجد ابهام خواهد بود، چرا که بینی از بین رفته، چگونه اصلاح بدون نقص آن قابل تصور است.

ماده (۶۰۱):

- تأمل شرعی: در حالی که در ذیل ماده، دیه بینی اصلاح شده یک دهم دیه کامل تعیین شده، معهداً در ماده ۳۸۴ قانون مجازات اسلامی کنونی (مورد تأیید شورای نگهبان) یک پنجم کامل تعیین شده است.

ماده (۶۱۶):

- مغایرت با قانون اساسی: به کار بردن عبارت «اکثر الامرین» به جهت آنکه در زبان فارسی رایج نیست، فلذا مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است.

ماده (۶۱۸):

- مغایرت با قانون اساسی: ایراد مذکور در ماده (۶۱۶) بر این ماده نیز وارد است.

ماده (۶۲۲):

۱- تأمل شرعی: در ماده (۴۰۴) قانون مجازات اسلامی کنونی، برای قسمت اخیر ماده (اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود) مجازات تعزیری مقرر کرده بود که در این ماده این تعزیر حذف شده است.

۲- تعارض: در حالی که در صدر ماده ارش برای دندان اضافی در نظر گرفته نشده است، در

تبصره (۲) از ارش دندان اضافه سخن به میان آمده که در تعارض با صدر ماده است.

ماده (۶۳۰):

- ابهام: در این لایحه، حکم شکاف دندان که بدون کندن و از بین بردن دندان باشد (موضوع ماده

۴۰۷ قانون مجازات اسلامی) مغفول مانده و وضعیت آن روشن نشده است.

ماده (۶۶۶):

- **ابهام:** در حالی که در بند(الف) تصریح شده که همه مکلف به پرداخت نفقه حتی در صورت طلاق است، لکن در بند(ج) مشخص نشده که حکم پرداخت نفقه تا زمان وفات یکی از زوجین نیز در صورت طلاق نیز جاری است و یا حکم دیگری دارد که از این نظر، بند(ج) دارای ابهام است.

ماده(۶۷۱):

- **ابهام:** اصطلاحات به کار رفته در این ماده (رتقاء و قرناء) به جهت آنکه در این لایحه تعریف نشده، دارای ابهام است و نیازمند تعریف قانونی است.

ماده(۶۷۲):

- **تأمل شرعی:** دیه مقرر برای بیضه‌ها در این ماده برخلاف حکم ماده(۴۳۵) قانون مجازات اسلامی کنونی (مورد تأیید شورای نگهبان) است، چرا که در این ماده حکم دیه بیضه چپ دوسوم دیه کامل و دیه بیضه راست یک‌سوم دیه کامل تعیین شده است.

ماده(۶۷۵):

- **ابهام:** اصطلاح «عانه» از آنجا که در این لایحه تعریف نشده است، مواجه با ابهام است.

ماده(۶۸۱):

- **ابهام:** عبارت «غیرمتعارف» از لحاظ مفهوم و دایره مشمول مبهم و واجد اشکال است.

ماده(۶۸۸):

- **ابهام:** ایراد مذکور در ماده(۶۸۱) بر این ماده نیز وارد است.

ماده(۷۰۵):

- **تأمل شرعی:** به خلاف ماده(۴۶۸) قانون مجازات اسلامی (مورد تأیید شورای نگهبان)، حکم موردی که «حسن چشایی زایل شده، پس از مدتی برگردد» مشخص نشده است.

ماده(۷۰۷):

- **ایراد نگارشی:** در تبصره ماده، ضروری است عبارت «مطابق توجه به» به «مطابق» اصلاح شود.

ماده(۷۱۸):

- **ابهام:** در تبصره(۳)، اصلاح «عیب فاحش» از آنجا که از حیث دایره مشمول و مصداق قابل تقدیر و اندازه‌گیری نیست، موجد ابهام است.

ماده(۷۲۲):

شماره: ۳۹۵۷

تاریخ: ۱۳۸۸/۰۲/۱۵

پیوست: دارد

- تأمل شرعی: حکم این ماده، مغایر با حکم ماده (۴۸۳) قانون مجازات اسلامی (مورد تأیید شورای نگهبان) است که در آن میان دیه نافذۀ زن و مرد تمایز قائل شده بوده و جراحت نافذۀ زن را مستوجب ارش دانسته بود.

ماده (۷۲۷):

- تأمل شرعی: در تبصره، از آنجا که اطلاق تبصره موجب جواز سقط جنین، حتی پس از ولوج روح گردیده و به تبع آن موجبات ترجیح بلامرجح را فراهم آورده است، محل تأمل شرعی است.